

کارگران جهان متحد شوید!

۲۴ صفحه

# پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۰ بهاء ۲۰ رزق

### در صفحات دیگر این شماره:

- حمله باسداران مزدور به خانواده‌های زندانیان سیاسی اوین صفحه ۱۷
- شاه میگفت: "ما ۳۳ میلیون ساواکی داریم!"
- رجایی میگوید: "ما ۳۶ میلیون حزب‌اللهی داریم." صفحه ۱۷
- چین: دعوی‌های رویزیونیست‌های مرتد و ادامه مبارزه طبقاتی صفحه ۱۵
- اندام انقلابی کجونی مزدور بدست یک باسدار! صفحه ۱۹

## نامه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به سازمان آزادیبخش فلسطین

صفحه ۷

## عدم استتبال مردم از انتخابات مشت محکمی بر دهان ارتجاع

صفحه ۵

## دروغ بر کارگران قهرمان شهر صنعتی قزوین!

— درد رگبری ۳ ساعت باسداران ارتجاع و قاتلان نژادهای حزب‌اللهی با هزاران کارگر شهر صنعتی چندین پاسدار خلع سلاح و زخمی و کشته شدند!

— باسداران ارتجاع بیرحمانه به کارگران قهرمان تیراندازی کردند و دهانتان از آنان رابه شهادت رسانده و بازخمی نمودند!

— دهانتان از کارگران دستگیر شدند!

تقیه در صفحه ۲

## تیرباران زن کمونیست باردار (۸ ماهه)!

نمونه‌ای از "عدل"  
جمهوری اسلامی! صفحه ۵

## سر مقاله

### حادثه انفجار بمب و تانکهای آتارشیستی

انفجار بمب در مقر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، حزب حاکم بر قدرت، مهمترین رویدادی بود که در هفته گذشته بوقوع پیوست. رویدادی که در نوع خود بسیار بقمه بود و تلاطم شدیدی در صحنه سیاسی جامعه پدید آورد. در این حادثه برخی از رهبران منغور و درجه اول و نیز درجه دوم رژیم جمهوری اسلامی، کشته شدند که در رأس آن، بهشتی مرتجع، یکی از مغزهای متفکر و چهره‌های هدایت‌گر رژیم حاکم قرار داشت. درست بهمین دلیل است که رژیم جمهوری اسلامی، بر اثر این ضربه، دچار اینجنین سراسیمگی و گسج تری گشته است؛ چرا که یکی از مهمترین مغزهای سیاسی خویش را به همراه تنی چند از چهره‌های منغور دیگر، از دست داده است. از طرف دیگر، این حادثه، بر منظره از اینک از جانب چه کسی باکسانی بوجه خود آمده باشد، که هنوز بر ما معلوم نیست. ضربه سیاسی بزرگی بر پیکر آن بود. درست بهمین دلیل بود که رهبران رژیم سرآسمه کوشیدند تا اسعاد سیاسی و نظامی این حادثه را مذسوحا نه کوچک و نا چیز شمرند و تا شیرات سیاسی و روانی ناشی از آن را ارمیان بردارند. تقیه در صفحه ۲

## آسمان سرخ انقلاب ایران ستاره باران است:

## تیرباران بیش از ۸۰ کمونیست و مجاهد توسط رژیم جمهوری اسلامی!

ارتجاع حاکم در سرا سرگسرتش موج و امسازات خلقهای قهرمان ایران، در کتار سرکوب خونین شده‌های مسارزوا ستلاسی، فرزندان آگاه و زحمتکشان و رهروان کمونیست و انقلابی را، سرخ انقلاب را به حوجه‌های اعدامی میسپارد.

تک تک این رمضای کمونیست شهید و شهدان معادها خون ستیخ خود، سرگسگونی را، سرخ انقلاب می افزا ستد و با حوا ندردن در دل بسای سرکس زحمتکشان، مسارزه طغیانی خلقهای زحمتکشان را بر علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و امیرالسم مرتت و توان ستیتری مسختند. تقیه در صفحه ۶

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران







# جنبش کارگری



## اعتصاب کارگران کارخانه چینی سازی رشت!

کارخانه چینی سازی با رس در نزدیکی رشت واقع شده و ۶۰۰ کارگر زن و مرد دارد. کارگران این کارخانه در تاریخ ۲۰ خرداد با خواسته های: پرداخت ۲۰ روز سوپرویزه و اجراء شدن طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب میزنند. کارگران میگفتند تولید کارخانه ما که ۱۴ درصد افزایش نسبت به حد اکثر تولید در سال ۱۱۰۰ تن است، ناشی از اعتصاب است. هم چنین کارگران طوماری مبنی بر اخراج دو کارگر که مزدور کار فرمای بودند امضا کرده و خواستار تحقق خواسته های شان میشوند. کارگران این کارخانه می بایست برای یکپارچه شدن صفوف خود شورای واقعی را که حدود یکسال و نیم است در کارخانه وجود ندارد تشکیل داده و به کمک آن متحدانه مبارزه خود را ادامه دهند.

## شهادت یک کارگر بدست افراد بسیج

در روز چهارشنبه ۶۰/۲/۲ یکی از کارگران کارخانه کبوتران "بنام" حسین نعمت زاده هکته ای که از سرکار ربه خا نه با زنجیرت توسط چند نفر از بسیجی ها هدف رگبار و کلوله تیرا و میکرو میزدوران مسلح به خیال اینکه وی "جهی" بوده و قصد فرار نمودن اعلامیه داشته است وی را به رگبار بسته و شهید میزند. این مزدوران پس از آنکه سه میخندوی فقط قصد عبور داشته چند بیخ گروشی کتا رجسوی می اندازند و با بنطورا نمود میکنند. که وی قصد شین دزدی! داشته است و جسدش را به شهرهای تخیل میدهند. رژیم جمهوری اسلامی هراسش روز بروز از کمونیستها و نیروهای انقلابی و کارگزاران آنها بیشتر میشود و این رابطه جناپتها بی چون نمونه بالا که خود گواهی این هراس و وحشت است، مرتکب میشوند.

### بقیه از صفحه ۸ تا ۱۵

عمل نشان داده است. قاطعانه از مبارزه خلق تهران فلسطین تا آزادی کامل فلسطین پشتیبانی خواهد کرد و اینرا وظیفه و تئوریا سوسیالیستی کمونیستی خود میداند. بوقرا رسا دوحدهت رزمنده بسمن خلفهای اسرائیل و فلسطین! زنده باد انقلاب مسلحانه توده های خلق فلسطین! سرگ برابریا بسمن، همون بسمن و ارتجاع مصلحتی! سازمان پیگارد راه آزادی طبقه کارگر ۱۰ تیر ۶۰ (اول زوشه ۱۹۸۱)

## اخراج کارگر توطئه ارتجاع، مرگ بر ارتجاع!

در روز یکشنبه ۶۰/۳/۳۱ کارگران کسبه توانسته بودند در روز قبل با دستهای پرتوان خود انجمن اسلامی را تعطیل نمایند. تعداد بسیاری جلوگیری از پیشرفت سبتهای ضد کارگری کمیته های فنی و همچنین جلب کارگران شاغل دست به راه هیبتهای زده و در باطنی ما ختسان مرکزی را قفل میزنند. کارگران در مسیر خود وارد کارگاه ها شدند و از کارگران دیگر میخواهند که به صفوف آنها بپیوندند. با پیوستن کارگران شاغل جمعیت به ۳۰۰ نفر رسیده بود. کارگران یکصد نفر را میماندند: "اخراج کارگر توطئه ارتجاع، مرگ بر ارتجاع، مرگ بر ترکیبها"، "توطئه تهاونی محکوم است، تهاونی شما و نسی محکوم است"، "کمیته های فنی منحل باید گردیدند" صفوف فشرده و متحد کارگران به پیش میرفت که با سداران مسلح با دووانت و یکد انویوس به محل آمده و کارگران را محاصره میکنند. مزدوران مسلح اقدام به دستگیری کارگران میکنند و برای ابعاد وحشت گلتنگان اسلحه های خود را کشیده و سوی کارگران نشانه میروند. با سداران مسلح ساکنتر کارگران شروع به دستگیری کارگران میکنند. از قبل توسط حاسومان شناسائی شده بودند، میکنند.

همومبا سداران مسلح موجب پراکنده شدن کارگران در این روز میگردد. روز دوشنبه روز بیرون بستهای غاش توده ای و اکثریتی با محکوم کردن راهبها شین تحت عنوان هرج ومرج به حمایت از سداران پرداخته و میگفتند، ما از اول میگفتم که باید به دولت طرح داد و این کارها به عا شین خواهد رسید. خا شین به طبقه کارگر با پیشنهاد کارگران که میگفتند باید برای آزادی نمایندگان دسته - جمعی برویم مخالفت کرده و آنرا هرج و مرج میخواندند. ما رزه کارگران صنایع فولاد جهت جلوگیری از اخراج همچنان ادامه دارد. گسترده تیرا دسبارا شکارگران قهرمان فولاد! سنگ و نفرت بر روی بیونستهای غاش توده ای و اکثریت!

در تاریخ شنبه ۶۰/۳/۳۰ بدنبال دعوت نمایندگان منتخب کارگران، کارگران روسیه اخراج صنایع فولاد ا هواز جهت غمگذا شتن توطئه های انجمن اسلامی و کمیته های فنی و اعتراض به اخراج یکی از نمایندگان مبارز خود و همچنین جلب کارگران شاغلی که از طرف کمیته های فنی جهت تفرقه اندازی در میان کارگران به کارگاه رده شده اند در سطح مجتمع دست به راهبها شین زدند. کارگران در طی این راهبها شین شعار میدادند: "بها در کارگر به صف ما بپیوند، فردا نوبت توست"، "اخراج نماینده توطئه جدید است"، "اخراج نماینده محکوم است محکوم است"، "انجمن اسلامی این لانه جاسوسی منحل باید گردید"، "کمیته های فنی منحل باید گردیدند"، "کارگران را بحق مسلم است، دولت مسئول خواسته ما است"، "اتحاد مبارزه به روزی" و.....

کارگران حین راهبها شین در مقابل انجمن اسلامی این لانه جاسوسی، توقف کرده و با شعار "این لانه جاسوسی منحل باید گردید" خواهان بسته شدن آن گردیدند. در جلوی لانه جاسوسی نمایندگان دست به افتای این ارگان سرکوب رژیم زده و همچنین حمایت دروغین رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی را از کارگران اخراجی سرکوب آلمان افشا نمود. مزدوران انجمن اسلامی با دیدن صف فشرده و متحد کارگران و خشم طبیعتی آنان با به فرار گذاشتند.

رویز بیونستهای غاش توده ای و اکثریتی و دارودسته ضد انقلابی است، که همانند اریاساتان از خشم و کینه و صف فشرده کارگران به وحشت افتاده بودند. راهبها شین کارگران را تحریم کرده و در گوشه ای ایستاده و علیه ما زمان بیکار رلجن - برآکی میموندند. یکی از نمایندگان در افتای این مزدوران خطاب به کارگران گفت: "اگر فردا کسی با راهبها شین کارگران مخالفت کرد و آنرا محکوم نمود، بدانید از دارودسته توده ایها و بقیه خا شین است. کارگران در تاشید حرفهای وی یکصد نفر را دادند.

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر





قدرت بنی صدر را از حکومت حذف میکند. آری حزب جمهوری دیگر حتی شریک دپروز خود بنی صدر و لیبیرالهای دیگر را تحمل نمیکند، تظاهرات هرات کارگران شهرستانی نشان داد که کارگران آنها در دکن و دیگر زحمتکشان تنها جمعبندی حزبها و رژیم جمهوری اسلامی را با فداکاری تمام خنثی نمایند، گرچه هنوز بسیاری از کارگران نسبت به ما هیت لیبیرالها و بیویژه بنی صدر دچار توهم هستند اما آنها که امروزه ما هیت خدمتی و حزب جمهوری اسلامی بی برده اند، دیرنیمت که دست رد بر سینه عوام فریبان لیبیرال که فریبکارانه ادای آزادیخواهی درمی آورند بزنند. آری کارگرانی که امروز "دروود بنی صدر" میگویند فردا در پرتو آگاهی و تجربه خود درخواهند یافت که هرگز گمانیکه تا به حال شریک امثال بهشتی ها بوده اند و دست آنها نضیمتند، آنها به این حقیقت بی غواهند بگردند که امثال بنی صدر که در سرکوب دانشگاه و کردستان دست داشته و شورا همسایه کارگری را تخطئه میکرد و بعد از حادثه سبزه سار می گفت "شورای شورا" و... نمیشوند بسیاری از آنها از آزادی و بهروزی به ارفغان آورد، بلکه تنها این اتحاد کارگران و زحمتکشان به زیر پرچم نیروهای پیگیر انقلاب - یعنی کمونیستها - و مبارزه بی امان و بی وقفه آنهاست که جمهوری دمکراتیک خلق، یعنی حکومت کارگران و زحمتکشان برهبری طبقه کارگر را برپا خواهد داشت. همگ کارگران ما نندکارگران آگاه بی غواهند بگردند که لیبیرالها از همین حرکت کارگری شهرستانی قزوین بهشتی از ارتجاع حزب جمهوری در هراسند چرا که در امانه این حرکت وحشی در خود باسین حرکت، تعرض کارگران به نظام سرمایه داری را می بینند، نظامی که خواسته و مطلوب آقای بنی صدر است!

**کارگران و زحمتکشان ایران!**  
تظاهرات عظیم شهرستانی قزوین در سهای فراوانی به ما میدهد که در آن درس مقاومت در برابر رژیم جمهوری اسلامی و عوامل سرکوبگر آن، درس فداکاری، درس اتحاد و یکتا رگی است. همینطور کمیودها و کاستیهای این حرکت یعنی نبود یک زهری که بشود اندیشمندان را بس مبارزه را تعیین نماید... همه و همه آموختنی است، با بددرسهای این حرکت را با بیویژه و آنرا در مبارزات خود بکار گیریم و کاستیها و کمبودهای آنرا رفع نمائیم و بدین ترتیب برای مبارزات پر شکوه تری که در پیش داریم توشه اندوزی نمائیم!

دردیر کارگران شهیدچهارشنبه خونین شهرستانی قزوین!

گسترده با دنیا زرات کارگران و زحمتکشان علیه آنها رژیم جمهوری اسلامی به آزادیهای دمکراتیک! مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - قزوین - ۶۰/۳/۳۰

کشیده در حالیکه از حال رفته بود توسط دیگر پاسداران مزدور فراری داده میشود!  
کارگران به راه همپاشی اعتراضی وسیله - آسای خود ادامه دادند، در سراسر آنها ن، پاسداران

## درد بر کارگران قهرمان شهر صنعتی قزوین!

- در درگیری ۳ ساعته پاسداران ارتجاع و فلاترهای حزب اللهی با هزاران کارگر شهرستانی چندین پاسدار خلع سلاح و زخمی و کشته شدند!  
- پاسداران ارتجاع بیرحمانه به کارگران قهرمان تیراندازی کرده و دهباتن از آسان راه شهادت رسانده و باز زخمی نمودند!  
- دهباتن دیگر از کارگران دستگیر شدند!  
.....

### کارگران و زحمتکشان!

کارگران قهرمان کارخانجات شهرستانی قزوین بعد از ظهر روز چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷ برای حماه آفریدند. سپاه پاسداران ارتجاع و در سراسر آنها ظاهرا خانی جنایتکار (رئیس سپاه پاسداران) خام خیا لانه قصد داشتند در ساعت ۱ بعد از ظهر با تعطیل کردن کلبه کارخانه های شهرستانی کارگران را به جشن فرمایشی تحت عنوان (نیمه شعبان) بکشاند و در آنجا با سلاح تیراقتان سخنرانی کنند! اما کارگران چه کردند؟ آنها نه فقط این جشن مرتجعین نابکار را تحریم کردند بلکه نما استفاده از موقعیت استثنائی و اجتماع عظیم خود، با یک راه همپاشی چند کلمه متری علیه حزب جمهوری، مشت محکمی بر پرده ارتجاع کوبیدند سیل خروشان چندین هزار کارگر که از جاده اصلی شهرستانی بطرف شهر قزوین بر راه افتاده بودند یکباره فریادید و شعار فریاد و شعار علیه حزب، علیه سرکوبگری رژیم جمهوری اسلامی! کارگران گرچه در این شمارها از بنی صدر نیز حمایت میکردند اما در واقع این کارگران جان نلت رسیده از این نیمه گرانی و مزد کم، از این نیمه ستم و سبداگری سیاسی و از این نیمه جنایات و اعمال ارتجاعی رژیم ها کم و پاسبان ارتجاع... به فریاد آمده بودند!

در اوائل تظاهرات (یعنی حدود ساعت ۱ بعد از ظهر) هنگامیکه طاهر خانی غافلگیر شده و قصد جلوگیری از این راه همپاشی را داشت توسط کارگران شدت ادبند: کارگران که بس از تمام تاکنون تا هدا عمل این کمیته جمعی سابق و رئیس سپاه پاسداران کنونی در شهر صنعتی بوده اند، وارد دستگیر کرده و کشتان تا کتک به جوی لجن انداختند! دقایقی بعد مردی که نزدیک به ۲/۵ سال است خود را بکه تا ز و نشوول بند شهرستانی میدان همچون سوناب

که در یک آمبولانس مخفی شده بودند پس از مواجه شدن با کارگران بسوی آنها ن آتش گشودند که طی آن چندین کارگر را زخمی کردند، اما کارگران بلافاصله با سنگربندی مدافع از خود پرتاب کردند و سرانجام آنها را با سنگ فراری داده و توشی چند از آنها ن را خلع سلاح میکنند و ضمن درگیری برخی از آنها را به سزای اعمال خود رسانده و زخمی میکنند در اینجا کارگران علاوه بر شمارهای قبلی بسا شمارهای: "کارگران اتحاد، کارگران اتحاد، برادرمان را کشتند"، "پاسبان رجنایت میکنند، مجلس (و دولت) حمايت میکند"، "مرگ بر پاسدار"، "عامل سرما به دار"، "براه خود ادامه میدهد در جلوی کارخانه نازخ دیما نشین جیب با سدا در دست ما بند زمان شاه، درست مثل کشتار کارگران جهان چیست، کارگران را بپریم نه به رگبار میبندند... آری پاسداران، سرما بسه خوب ما هیت خدکارگری خود را نشان میدهند... کارگران نخست مقاومت کرده ولی چسبون تیراندازی با سداران بطرز وحشیانه ای ادامه داشت پراکنده میشوند، پاسداران مثل شکارچی ها با کینه ای خدکارگری، کارگران را در سبایانها و گندمزارهای اطراف کارخانه نازخ و دیگر کارخانه های آن محل دنبال کرده و دوسا عست تمام موقوف و ابرسر نشان گلوله میباریدند و با کتک میزدند و دستگیر میکردند، آنها حتی نگهبانان کارخانه های این محل را که در این جریان شرکتی نداشته اند به با دکتک و دشنام میگیرند، در طی این جریان ده ها تن از کارگران شهید و با زخمی شده و دهها تن دیگر دستگیر میگردد که به فرا اطلاع شهیدان شکنجه شده اند.

**کارگران! زحمتکشان! نیروهای کمونیست!**  
تظاهرات عظیم کارگران شهرستانی قزوین قزوین می نبیوند که حزب جمهوری اسلامی تهاجم جدیدی را علیه آزادیهای دمکراتیک و نیروهای انقلابی آغاز کرده است و برای قیضه تمام و کمال

# شوراهای قلبی منحل باید گردد! شوراهای واقعی ایجاد باید گردد!



# عدم استقبال مردم از انتخابات : مشت محکمی بر دهان ارتجاع!

در شرا بطی که رژیم حاکم بورژوازی سرکوبگرانه اش سرعلیه شده های آگما را دهها برابر تشدید کرده است و تمام دستگاه های تبلیغاتی در دست قدرت - متدیان مرتجع و مکتبی بوده و سازماندهی و غفلت از ابعاد دوسیمتری یافته اند و در روزها شبکه دهها نفر از فرزندان آگما و زمینکشان به جرمدان شکن عفا بیدانقلی توسط مزدوران رژیم حاکم در خیابان ها و زندانها به خاک و خون کشیده میشوند و فانیانها و اوباشان حزب جمهوری اسلامی توده های آگما را با خراطی از عقیده شان سرکوب میکنند آری در چنین شرا بطی سردستانان جمهوری اسلامی در جهت تشبیت حاکمیت رژیم سرمایه داری حاکم و تکمیل مجلس فرما بشی دست بدانجام انتخابات میان دوره ای زنده با وجود بوق و کرنا های تبلیغاتی رژیم و علی رغم توسل رژیم به سو استفاده از متمدنات مذهبی و رست دادن رای به کاندیدای حزبی به مالسه "مسلمان بودن" شرکت مردم در این انتخابات نه میزان بسیار زیادی کاش یافته .

طبق آمار رسمی در شهر تبریز که در انتخابات سال ۵۸، تعداد ۲۱۳۶۸ نفر به جمهوری اسلامی رای آری داده بودند، (اطلاعات ۵۸/۱/۱۲) در انتخابات اخیر فقط ۶۴ هزار نفر شرکت کردند، همچنین تعداد ۴۳ هزار رای دهنده در سناری نزلی در فروردین ۵۸ به ۵ هزار کاهش پیدا کرد و در طبقه شهرها نیز به همین میزان تعداد شرکت کنندگان بطرز بسیار کمی کم شده است .  
آری آن ۹۸ درصدی که در روزهای اول حاکمیت رژیم به برکت توهم و نا آگما هی توده ها به رژیم جمهوری اسلامی رای میدادند، امروز در شناخت توده ها و ریبختن توهشان نسبت به رژیم حاکم ۱۱ برابر (در تبریز) کاهش پیدا کرده است .

آری ! توده های آگما همین ما در دوسال حاکمیت حنا بتکا رانه و خوانات - ما رژیم حاکم جز فقر و فلاکت بیشتر، ستم و استعمار را فزون، جنگ و درما ندگی ... بدست نیاورده اند و از اینرو عدم شرکت در انتخابات، مخالفت و قنفر خود را از رژیم جمهوری اسلامی نشان میدهند و تا زه این در شرا بطی است که تمام دستگاه های تبلیغاتی و بویژه را دیو و تلویزیون و مهمترین آژانس دسگاه ولایت فقه و "متوا" در تسمه سردمداران حزبی رژیم حاکم قرار دارد .  
در چنین اوضاع و شرا بطی و طبقه سنگینی بردوش ما کمونیستها است که با تبلیغ و ترویج دیکراتسم انقلابی این توده وسیع سرگشته از رژیم ستم سوری منی و سرنا مه انقلابی و در جهت تداوم انقلاب دمکراتیک و فدا میربا - لستی فرا خوانده و معیوف انقلاب را فشرده تر و گسترده تر سازیم .  
با تلاش سخته در راه آگما هی توده ها و تداوم انقلاب به پیش!



## توطئه ای دیگر بر علیه خلق کرد واقعیت تیراندازی به تشیب جنازه در مهاباد چه بود؟

روز سه شنبه ۶۰/۴/۲ خالدهرانی جاش خود - فروخته ترور شد که باعث خونخوری کلیه مردم رزمندگان گردید، در پی این امر، شهر از طرف با ساداران و ارتشیان مستقر در تبه ها به رگسار کالبره ۵۰ و خمبار رسته میشود، در داخل شهر نیز با ساداران شروع به تفتیش در شهر میکنند و چون چیزی دستگیرشان نمیشود، حدود ۳۰۰ نفر از زن و بچه و مرد گرفته و آنها را شهید میکنند که هر شامی ما میگویم با بدتر کار کنید، در غیبت این صورت همگی شما را میکشیم، به این ترتیب مردمی دفاع را با زور و گلوله همراهها را شایستغ رژیم و سر ضد جنش مقاومت خلق کرد، تا جلومقرسها برده و آنجا نیز با این افراد با زور و سوارما شین کرده و در غیاب آنها شمسیر میگردد نند، در این شما پیش سرکوبگرانه یک پیر - مردویک دختر کشته میشوند .

با ترور خالدهرانی، رژیم بوحشت افتاد و دودر بی - توطئه جدید برآمد .  
فرمانداری و سپاه ساداران مهاباد سه تاریخ ۶۰/۴/۲ به کلیه موسسات دولتی ابلاغ میکنند که همه کارکنان با لیست حضور غیاب جهت تشبیع جنازه در مسجد جامع گردآمده و در صورت

نیا مدن از کار برکنار شده و تحت تعقیب قرار خواهند گرفت، کارمندان ساعت ۱۱/۵ الی ۱۲ از مسجد جامع با تا بوت حرکت میکنند، در چهار راه آزادی ناگهان یک نفر از مزدوران در میان جمعیت شروع به تیراندازی نمود و عده ای از با زبیران (سپاه ساداران) اسلحه های خود را عوا مفرسبانه انداخته و اقدام به تیراندازی بسوی مردم نمودند و همینجا تا بوت خالی بر زمین افتاد و در قدمهای اول دست جانشان توطئه گر رومی شود، ناگفته نماند که برای پی خیر جلسوه دادن خود چند نفر از افراد خودشان از جمله فریمان - دارا بطور عمدی زخمی میشوند و با این در حالی بود که از آغا تیراندازی، از طرف تبه های اطراف و خانه جوانان و پادگان با انبساط سلاحهای سبک و سنگین، مانندان و رنگ و خمبار ره مناطق مختلف شهر را میگویند که در نتیجه خانه های مسکونی ویران میشوند و طبق آخرین آمار در این جنایت هولناک هشت نفر شهید و ۲۲ نفر زخمی گردیدند، اما می شهدا عبارتند از :  
۱- عبدالله کبانی ۲- سعید درصوری ۳- انور قاضی ۴- ناصر کبوی ۵- غلیل عیسوی ۶- سلیمان عزیز ۷- ناشناس (اهل بوکان) ۸- سلیمان مالکی .  
بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاع با وقاحت و بیشرمی کامل میخواهند خود را تیر شده نموده و این ددمنشی ها را بگردن پیشمرگان خلق بسپارند و زنده زهی خیال را باطل رژیم ضد خلقی و مزدورانش با پیدا شدن که مردم فیورومسارز دوستان و دشمنان خود را بهتر از همه میشناسند و آگما هتر از آنند که فریب توطئه های جنایتکاران واکا ذنب و دروغ بردازیهای آنان را بخورند .  
به نقل از اعلامیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (مهاباد) ۱۳۶۰/۴/۲  
با اندکسی تلخیصی

## تیرباران زن کمونیست باردار (۸ ماهه) ! : نمونه ای از عدل جمهوری اسلامی!

سردمداران رژیم حاکم، غضبناک از خشم خروشان توده ها، دیوانه وار کمونیستها و معاهدین را به جوخه های اعدام میسپارند  
برای رژیم جمهوری اسلامی تفاتی نسجند که کسانیکه اعدام میشوند دختر ۱۳ ساله است با زن حامله ! تنها مخالفت با جمهوری اسلامی برای اعدام انقلابیون کافی است .  
کمونیست مبارز طاهره آقا خانی مقدم که ۸ ماهه حامله بوده همراه شوهر کمونیستش رفیق علی عالم زاده کرمانی (هر دو از گروه کمونیستی سرد) بدست دژخیمان جمهوری اسلامی تیرباران گردیدند .  
حکا مرتجع جمهوری اسلامی کودکی (چنین ۸ ماهه) را در آستانه تولد حرمدا شن بدروما در کمونیست و انقلابی به جوخه اعدام میبردند !  
این جنایتها روی جنایات هیستلرو موسولینی را نیز سفید کرده است !

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۶۰/۴/۱۳



# تیرباران بیش از ۸۰ کمونیست و مجاهد توسط رژیم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

ارتجاع جنایتکار، وقبحانه تر از خون آشامان نامدار تا ریخ خون میریزد. رژیم ما کمپا اعدام نوزادی قبل از تولد در شکم مادر (جنین ۸ ماهه) بجرم عقاید کمونیستی بدروما درش با اعدام دختران ۱۳ ساله (حتی قبل از آنکه هویت آنها را بدانند) از جنایتکاران تاریخ، از محمد رضا شاه و از هیتلر... بهیسی میگردد.

اسما مبارزه طبقاتی، نیروی محرکه تاریخ است و با سرکوب و اعدامها متوقف نمیشود. بسه خاک و خون کشیده شدن کمونیست ها و مجاهدین، تنها بر کینه طبقاتی زحمتکشان و روهروان راه رهاش آنان می افزاید و آنان را در ادامه راه سرخ شهیدان انقلاب، استوارتر و پراثرتر می سازد.

درود و افتخار بر شهیدان به خون غشته خلق! اعدام بیش از ۸۰ کمونیست و انقلابی در ۱۰ روز، لکنه سنگی ابدی برداشته از رژیم جمهوری اسلامی!

از خون شهیدان لاله های سرخ میروید!

- ★ ۲۳- جریک فدائی روح انگیز عباسی زاده دهقان - تبریز
- ★ ۲۴- جریک فدائی اسرار ذری - تبریز
- ★ ۲۵- رفیق نامرعی ووند - تبریز
- ★ ۲۶- رفیق آذرا حسینی - تهران
- ★ ۲۷- رفیق علی حسینی - چالوس
- ★ ۲۸- رفیق حسن دوستی - چالوس
- ★ ۲۹- رفیق اکبر نسلح - چالوس
- ★ ۳۰- رفیق احمد رجب نژاد - چالوس
- ★ ۳۱- رفیق رضا تلی دلوز مقدم - چالوس
- ★ ۳۲- ۳۳- دور رفیق - سندر عباس
- ★ ۳۴- مجاهد شهید جعفر کلاهی چی کنجینه - تهران
- ★ ۳۵- مجاهد شهید داود فراها نسی - تهران
- ★ ۳۶- مجاهد شهید رضا حاجی ملک - تهران
- ★ ۳۷- مجاهد شهید علی امیرزها تاجی - تهران
- ★ ۳۸- مجاهد شهید کاظم خراشی (فخا ربان) - تهران
- ★ ۳۹- مجاهد شهید امین ارسطافر - تهران
- ★ ۴۰- مجاهد شهید زهرا ابراهیمیان - تهران
- ★ ۴۱- مجاهد شهید کبیرا ابراهیمیان - تهران
- ★ ۴۲- مجاهد شهید غلامعلی جعفری - تهران
- ★ ۴۳- مجاهد شهید سحیح حسن مرتضوی - تهران
- ★ ۴۴- مجاهد شهید مجتبی آقا میری - اهواز
- ★ ۴۵- مجاهد شهید لیلیا عنصربیان - تبریز
- ★ ۴۶- مجاهد شهید محمود بهیوی آزاده - تبریز
- ★ ۴۷- مجاهد شهید رقیه موثاب پور - تبریز
- ★ ۴۸- مجاهد شهید حسن نعمرافها نی - اصفهان
- ★ ۴۹- مجاهد شهید حسن خوش قامت - اصفهان
- ★ ۵۰- مجاهد شهید سیلا صدق فر - تهران
- ★ ۵۱- مجاهد شهید عبدالله مرادی - تهران
- ★ ۵۲- مجاهد شهید معصومه فرستند - تهران
- ★ ۵۳- مجاهد شهید غلامدینوی - تهران
- ★ ۵۴- مجاهد شهید استهبان مهدی مقدسی - چهلم
- ★ ۵۵- مجاهد شهید یحیی نصرآبادی - مشهد
- ★ ۵۶- مجاهد شهید محمد حکمتی - مشهد
- ★ ۵۷- مجاهد شهید علی محمد سعیدی - آمل
- ★ ۵۸- مجاهد شهید فاطمه حسینی - آمل
- ★ ۵۹- شهید جلال هاشمی تنگستان - تبریز
- ★ ۶۰- شهید حیدر حیدری - تهران
- ★ ۶۱- شهید احمد چشم براه - تهران
- ★ ۶۲- شهید جعفر قنبر نژاد - تهران
- ★ ۶۳- شهید علی تقی پور - بابل
- ★ ۶۴- شهید حسن احمد سیاب - مشهد
- ★ ۶۵- شهید جلیل کریمی - اهواز
- ★ ۶۶- شهید بهنام بیگدلی - اهواز
- ★ ۶۷- بک شهید - رامسر
- ★ ۶۸- بک شهید - کرج
- ★ ۶۹- ۷۶- هشت پیشمرگه کرد (که هویت سازمانی شان برای ما مشخص نیست) - ورمیه
- و بیش از ده شهید قهرمان دیگر

کارگران، زحمتکشان توده های سازز! عنوان های روزنامه های جمهوری اسلامی در مورد اعدامها سرکوب ها و تهمت های بی شرمانه نیست... کمونیست ها و انقلابیون را با عنا و بسین مشابه که در زمان رژیم جلاد شاه در ورق با رها منمکن میشدمقا بسه کنید: آبا تشا به در تبلیغات و نسوع سرکوب همسوئی منافع ارتعایی دو رژیم حال و گذشته و همگونی ما هبست ضد خلقی آنها را به بهترین وجهی نمایان نمیا زد؟

واقصیت های کوبنده خود بهترین گواه آدا مهرا رژیم شاه توسط رژیم جمهوری اسلامی است.

۱۱ عامل شهادت انقلاب در نهبوند و صومعه سرا، به زندان محکوم شدند

۳ عامل درگیری با مردم در اصفهان اعدام شدند

اعضای مجاهدین و پیکار بجرم هجوم مسلحانه درگیری با مأموران و ایجاد اغتشاش در اهواز اعدام شدند

اعضای مجاهدین و پیکار بجرم هجوم مسلحانه درگیری با مأموران و ایجاد اغتشاش در اهواز اعدام شدند

۳۳ مبارز و مفلس اعدام انقلابی شدند

در گریه های در روزنه شیراز ۴۰ مجروح

در اهواز، آمل، چهرب بابل و مشهد

۳۳ مبارز و مفلس اعدام انقلابی شدند



# نامه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به سازمان آزادیبخش فلسطین برادران رزمنده! اعضا، کادرها و رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین!

سرسوز مشترک مبارزه خلقهای ایران و فلسطین در مبارزه علیه دشمن مشترک آنها یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع ملی، خلقهای دو کشور و بویژه انقلابیون ایرانی و فلسطینی را سالهاست در یک سنگر قرار داده است. حمایت کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی ایرانی از آرمان عادلانه خلق فلسطین امری تازه نیست. انقلابیون ایران سالهاست که در کنار خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع بویژه در اردن و لبنان جنگیده اند و با نگاههای انقلاب فلسطین وارد شده اند. گامها و دفاعات انقلاب فلسطین را از بهترین بنیانها و اهدافی خود یاد گرفته اند.

خلقهای قهرمان ایران با مبارزه عظیم و قیام شکوهمند میهن توانستند رژیم وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی را با ورهیشگرایی صهیونیستها را از زبون کنند و آنها را به زانو در آورند تا رنج بسیار از زندگی بر خلاف آن که خلق فلسطین انتظار داشت و نیز برخلاف آن که توده های انقلابی ایران انتظار داشتند، انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران در نیمه راه متوقف ماند و نتوانست به اهداف خود در قبال کارگران و زحمتکشان و عموم خلقهای ایران و منطقه جامعه عمل بپوشاند. انکسالیته ها تمام میمانند انقلاب رادزین به های مختلف، از بازاری سیستم سرمایه داری وابسته گرفته تا سرکوب خلقهای قهرمان ایران (در کردستان و ترکمن صحرا و...) کشتار و فاشیسم و سرکوب کارگران و نیز کمونیستها و مجاهدین میتوان مشاهده کرد در زمینه خارجی علیه رژیم تحت فشار

سرسوز مشترک مبارزه خلقهای ایران و فلسطین در مبارزه علیه دشمن مشترک آنها یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع ملی، خلقهای دو کشور و بویژه انقلابیون ایرانی و فلسطینی را سالهاست در یک سنگر قرار داده است. حمایت کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی ایرانی از آرمان عادلانه خلق فلسطین امری تازه نیست. انقلابیون ایران سالهاست که در کنار خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع بویژه در اردن و لبنان جنگیده اند و با نگاههای انقلاب فلسطین وارد شده اند. گامها و دفاعات انقلاب فلسطین را از بهترین بنیانها و اهدافی خود یاد گرفته اند.

خلقهای قهرمان ایران با مبارزه عظیم و قیام شکوهمند میهن توانستند رژیم وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی را با ورهیشگرایی صهیونیستها را از زبون کنند و آنها را به زانو در آورند تا رنج بسیار از زندگی بر خلاف آن که خلق فلسطین انتظار داشت و نیز برخلاف آن که توده های انقلابی ایران انتظار داشتند، انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران در نیمه راه متوقف ماند و نتوانست به اهداف خود در قبال کارگران و زحمتکشان و عموم خلقهای ایران و منطقه جامعه عمل بپوشاند. انکسالیته ها تمام میمانند انقلاب رادزین به های مختلف، از بازاری سیستم سرمایه داری وابسته گرفته تا سرکوب خلقهای قهرمان ایران (در کردستان و ترکمن صحرا و...) کشتار و فاشیسم و سرکوب کارگران و نیز کمونیستها و مجاهدین میتوان مشاهده کرد در زمینه خارجی علیه رژیم تحت فشار

سرسوز مشترک مبارزه خلقهای ایران و فلسطین در مبارزه علیه دشمن مشترک آنها یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع ملی، خلقهای دو کشور و بویژه انقلابیون ایرانی و فلسطینی را سالهاست در یک سنگر قرار داده است. حمایت کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی ایرانی از آرمان عادلانه خلق فلسطین امری تازه نیست. انقلابیون ایران سالهاست که در کنار خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع بویژه در اردن و لبنان جنگیده اند و با نگاههای انقلاب فلسطین وارد شده اند. گامها و دفاعات انقلاب فلسطین را از بهترین بنیانها و اهدافی خود یاد گرفته اند.

خلقهای قهرمان ایران با مبارزه عظیم و قیام شکوهمند میهن توانستند رژیم وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی را با ورهیشگرایی صهیونیستها را از زبون کنند و آنها را به زانو در آورند تا رنج بسیار از زندگی بر خلاف آن که خلق فلسطین انتظار داشت و نیز برخلاف آن که توده های انقلابی ایران انتظار داشتند، انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران در نیمه راه متوقف ماند و نتوانست به اهداف خود در قبال کارگران و زحمتکشان و عموم خلقهای ایران و منطقه جامعه عمل بپوشاند. انکسالیته ها تمام میمانند انقلاب رادزین به های مختلف، از بازاری سیستم سرمایه داری وابسته گرفته تا سرکوب خلقهای قهرمان ایران (در کردستان و ترکمن صحرا و...) کشتار و فاشیسم و سرکوب کارگران و نیز کمونیستها و مجاهدین میتوان مشاهده کرد در زمینه خارجی علیه رژیم تحت فشار

کارت عضویت و معرفی رفیق محسن قاضی

حزب التحریر الوطني الفلسطيني  
فتح -  
القیاده العامه لثوار الماثلین  
التاریخ: ۱۹۸۰ / ۱ / ۲۴  
لین بهبه الامیر  
تمیة الثورة همد  
تتهد حركة التحریر الوطني الفلسطيني / فتح بان الامح: محمدناجل بیبا حمید  
مو احد عناصرها الساطله ولا یزال  
وتنا: علی الله لملیة له حذة التیجاهه  
ثوره حق النصر  
سالمه لفاهیة  
۱۹۸۱ / ۳ / ۲۰  
مدیر الدائرة المحکمات  
کد المظفر

ترجمه سند فوق:  
جنبش آزادی بخش ملی فلسطین  
فتح -  
فرمانده کل نیروهای عاصف  
تاریخ: ۱۹۸۰/۱/۲۴  
(۲ بهمن ۱۹۵۸)  
معرفی نامه  
سازمدهای انقلابی:  
جنبش آزادیبخش ملی فلسطین - الفتح - گواهی میدهد که برادر محسن قاضی فرزند احمد یکی از اعضای فعال آن می باشد. این معرفی نامه مبتنی بر خواست او صادر شده است.  
اعتبار این معرفی نامه تا ۱۹۸۱/۳/۳۰ می باشد  
(۱۰ فروردین ۱۳۶۰) می باشد  
انقلاب تا پیروزی  
مدیر بخش نظامی  
محمد المطلق

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



رفیق محسن فاضل (ما می) پس از قریب ۲ ماه تحمل زندان شکنجه، محرم انقلابی بودن، محرم کمونیست بودن، محرم با ردلیس رودا شسی خلق فلسطین بودن، و خلاصه به هر چه وا بسته بودن به ما زمان بیگنا ریس از نظا هراتی که در تهران در روز ۳۰ خرداد (۲۵ ژوئن) صورت گرفت و رژیم دیوانه و ارجان نیروهای کمونیست و معا هدا نشا د بدون معا که در یکروز همراه با ۲۲ کمونیست و انقلابی دیگر ترسیرا ران شدند. **اویحق شهیدانقلاب ایران و فلسطین بود.** شهادت او نه تنها سازمان ما بلکه انقلاب فلسطین نیز یکی از باران صمیمی خود را از دست داد. رژیم جمهوری اسلامی ایران ظاهرا بسک کمونیست قدیمی و یک با خلق فلسطین را از پای در آورد. ولی ما هما نظور که برای ادا سه مبارزه بیگیر علیه امپریا لیمم صهیونیسم و ارتجاع محلی به خون شهدای فلسطین سوگند خورده بودیم به خون رفیق ما می و شهیدان نبشما و انقلاب ایران نیز سوگند میخوریم که تا برپا نشی جمهوری دمکراتیک خلق در ایران تا برپا نشی سوسا لیمم و تاسا آزادی کامل فلسطین از پای نشینیم.

**برادران رژیمنده و پیکارجوی  
سازمان آزاد پیخشی فلسطین!**

نگارش این نامه موافق حقایق که به اختصار و بطور نمونه در آن ذکر شد به این امید است که خلقهای ایران و فلسطین به ما هیت و اقمی رژیم فریبکا جمهوری اسلامی بیعترسی بپرنند و وضعگیری انقلابیون فلسطینسی و رهبران جنبش مقاومت ما آگاهی بیشترو احساس مسئولیت انقلابی همرا با شد. ما زمان ما هما نظور که طی ما لها ی گذشته تا به امروز در بنیه در صفحه ۲

شد تا زمانیکه بدون هیچگونه محاکمه ای اعدام گردید، حتی از ملاقات با مادرش محروم ماند و در زندان انفرادی زجرهای فراوان دیدولسی در برآ بردا انقلابیونی که نسبت به او بعنوان یک کمونیست و یک انقلابی ایرانی که بیش از ده سال از عمر خود را در راه مبارزه آشتی نا پذیرا رژیم شاه گذارده بود و بعنوان کسی که با رصمیمی و وفادار خلق و انقلاب فلسطین بود کینه میورزندد تسلیم شد. آری آنکه در کوههای صنین همسراه با شهید بوخالد (مرح شفیق عمل) و شهید بسو بعقوب علیه فالانزیمتها و سرا شلمها جنگیده بود، و که در بنطیبه (جنوب لبنان) تجارت خود را در زمینها ختن سواد منفرجه با راه انداختن یک کارگاه سدیپیکریک سازی در اختیار انقلاب فلسطین گذارده بود، و که بنا به پیشنهاد برادران فعال در بخش سرزمینهای اشغالی و ششمیا برادران بوجها دتمعا دی از دستگا ها علامه بیخش کن ابدای خود را ما ختنه بود دستگا ها شبکه بعدا به فلسطین اشغالی ارسال شد، و گسه در افشای ما هیت ارتجاعی رژیم شاهان و دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه، فعالانه در انتشار محله "ایران الحما میر" (و با باری سازمان الفتح) فعالانه کوشیده بود و در معرفی و خدمت به انقلاب خلقهای ایران و فلسطین و عسسان و کردستان عراق از امکانات گوناگون درخا و رس مپا نه و اروپا استفاده کرده بود. آری چنین رفیقیتی کسی نبود که در برابر اهدا بلایهون حاکم بر ایران زانو زند و آنطور که از امیخوا ستند به حدگوئی به ما زمان بیگنا رو با صلاح تبری جستن از عقیده و آرمانش بپردازد، و همچنین با رها از زبان لاجوردی خاشن (دادستان انقلاب) تهدید و بدگوئی علیه انقلاب فلسطین و اشتیاده و هوکاره در برآ رنها ایستا ده بود.

ودشمنان واقعی خود را در بنیه ایران بشناسد، ما هما نگونه که ما رها تا کید کرده ایم بسن تنها کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی ایرانی هستند که همبامان استراتژیک خلق فلسطین میباشند نه مرتجعین فرصت طلبی که بر ایران حاکم اند و نظا برآ رنها را خودتان در بسیاری از کشورهای عربی سراغ دارید. بمعنی همانها که تنها بلدنبا ادعای حما بست از فلسطین برگرده خلق سوار شوند و سپس از پشت به انقلاب فلسطین خنجر بزنند. ما یقین داریم که اگر خلق فلسطین بدانکه علام "روز قدس" در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ (۱۹ اوت ۱۹۷۹) در ایران سرپوشی برای یورش و خشیا نه رژیم به کردستان و سوکوب خلق کرده است، همرا شبانزها و تنفر خود را نسبت به این حما بست دروغین رژیم بران از فلسطین، ابراز خواهد داشت.

**اعدام یکی از اعضای الفتح در ایران**

تا بدت معجب کنید ولی این واقعیتی است که نشا نگاه ۳۱ خرداد (۲۱ ژوئن ۸۱) یکی از اعضای قدیمی و فعال سازمان الفتح که چندین سال در صفوف انقلاب فلسطین در جنوب و شرق لبنان مبارزه کرده بود و همکاری های ذیقیمی با کمیته علمی و مرکز برنا هم ریزی ما زمان الفتح و دفتر سرزمینهای اشغالی داشت در ایران اعدام شد. و رفیق شهید ما محسن فاضل بود که با نسام مستعار "ما می" بین انقلابیون فلسطینی معروف بود. او و یکبار در سال گذشته به لبنان رفت و با دست آوردهای با ارزشی به ایران برگشت و در اسفند ۵۹، زمانیکه میخواست یکبار دیگر به لبنان برود و معرفی سفارت سازمان آزاد پیخشی فلسطین را نیز به همرا داشت، به وسیله با سداران دستگیر

  
جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور خارجه

اداره گذرنامه و ویزا  
شماره: ۱۳۰۰۳۰  
تاریخ: ۵۹/۱۱/۵  
بهره: ۱

د. نر بیست و نوزده - سنکر دراد اره گذرنامه تهرانی - جمهوری اسلامی ایران

۱۵۱ سمن فاضل      دارنده گذرنامه و شماره: ۶۸۲۴۲

صادره از: تهران طرز حاج آذکوسیه شد بموجب نامه شماره (گ) ۱/۱/۱ مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۵ سازمان آزادی بخش فلسطین صادره از سازمان است که در مصوب انقلاب فلسطین بود میباشند. مراتب جهت اهدا اینجمن اطلاع میگردد.

خواهشمند است دستور فرمایند طبق ضوابط حاکم به اعاده خروج نامبرده از مرزهای معارض کشور اقدام لازم معمول داند.

مدیر کل امور کنسولگری استانبول - ۱۰  
۱۰۰۰۰۰۰۰

  
سازمان آزادی بخش فلسطین

منظرة التحرير الفلسطينية  
مخبران

شماره: ۶۲/۱  
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۵

وزارت امور خارجه

با درودهای انقلابی  
د. نر سازمان آزادی بخش فلسطین در تهران درودهای خود را تقدیم مینماید. و با اطلاع میسراند که آقای محسن فاضل نوزده احمد یکی از برادران ایرانی که در مصوب انقلاب فلسطین بود میباشند. نروا میباشند است کتشیای لازمه را میوری تقدیم فرمایند تا بتوانند بموجب انقلاب فلسطین بازگردند.

با تشکر و احترامات فائقه  
انقلاب تا پیوزی  
د. نر سازمان آزادی بخش فلسطین - تهران



# اخبار مبارزات توده‌ها



## گسترده‌تر باد مبارزات انقلابی توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

در روزهای اخیر غیرموج ترور و سرکوب ددمنشان رژیم جمهوری اسلامی توده‌های انقلابی ایران به سارزه خود شدت بیشتری بخشیده‌اند، ارتجاع حاکم میکوشد تا با تشدید سرکوب طبقاتی از رشد انقلاب جلوگیری نماید، اما توده‌ها شی که هر روز ستکری و عشیان نه رژیم را با گوشت و پوست خود احساس می‌کنند و با فقر و فلاکت و بیگاری و گران شدن دست بگیمیان می‌باشند خاموش نمی‌نشینند و جنبش توده‌های خلق بر اثر هیچ سرکوبی متوقف نشده و سوا بهر روزی جمهوری دموکراتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگر به پیش خواهد رفت. طبقه کارگر با تمام توان در این مبارزه شرکت خواهد کرد و برای تحقق سوسیا لیسم یک لحظه از مبارزه طبقاتی دست نخواهد کشید. به همین لحاظ کمونیستها وظیفه خود میداند تا با قدرت تمام در مبارزات کنونی علیه رژیم حاکم شرکت نمایند و این مبارزات را بر دموکراتیکسم انقلابی استوار سازند.

### در شهرهای شمالی توده‌ها میوزند!

#### ● کوچکمندان

روز شنبه ۶۰/۳/۲۳ در شهر رتظا هراتی برپا میشود. با سداران مسزودور با مردم درگیر شده و یک سراهی بداخل جمعیت میانداوند که چند نفر زخمی میگرددند. روز بعد مردم مغازه‌ها را بسته و نیروهای انقلابی دست به افشاگری وسیع میزنند.

#### ● شفت (بین رشت و قومن) :

در روز یکشنبه ۶۰/۳/۲۴ با سداران رژیم به مغازه‌ای که پنج کس از معلمین دژان کار میکنند حمله برده و این معلمین را پس از ضرب و جرح با چماق بسته به محل سپاه پاسداران قومن میسرنند.

روز دوشنبه همسران آنها به سپاه مراجعه کرده و شروع به اعتراض میکنند. پاسداران مزدور همسر یکی از مجاهدین اسیر را که حامله بوده و فرزندی نیز در بطن داشت به شدت کتک زده و دستگیر میکنند.

روز سه شنبه مردم به حمایت از این زندانیان ابتدا دست به راهپیمایی زده و سپس به محل سپاه میروند. نظا هر کتنگان با دادن شعارها شی نظیر "زندانی سیاسی آزاد ما بدگردد"، "مرگ سراسر ارتجاع، مرگ سراسر آمریکا" خواستار آزادی

شدند. مزدوران رژیم زانجا شبکه موفق بسسه دستگیری نظا هر کتنگان نشده بودند بدیوانه وار به این سوآن سورگ کشیده و کینه حیوانی خود را نسبت به مردم اطراف نشان میدادند. گنها یک با قلا فروش را در محل شهید کرده و یک موتور سوار را کتک زده و کتک زده و در حین انجام این اعمال پلیس خود، از سوی حاجی های مفتخور با زانسیز تشویق میشدند. نظا هرات رفقای هوادار مسورد حمایت مردم آگاه که در محل حضور داشتند و بسا سخنان خود نفرتشان را از رژیم جمهوری اسلامی نشان میدادند، قرا گرفت.

#### ● رشت

■ در روز سه شنبه ۶۰/۳/۲۶ حدود ۲۰۰ تن از ما درانی که فرزندان مجاهدان در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند به جهت اعتراض به بلاتکلیفی وضع آنان به دادگاه "انقسلاب" مراجعه میکنند. گریسی دادستان مرتجع به آنها پرخاش مینماید. ما دران مبارز نیز زوی و تنبیه میکنند. در نتیجه پاسداران به کمک گریسی آمده و کلیه ما دران را دستگیر و زندان مینماید. در حال حاضر همگی آنها در زندان بسر میبرند.

#### ● لاهیجان

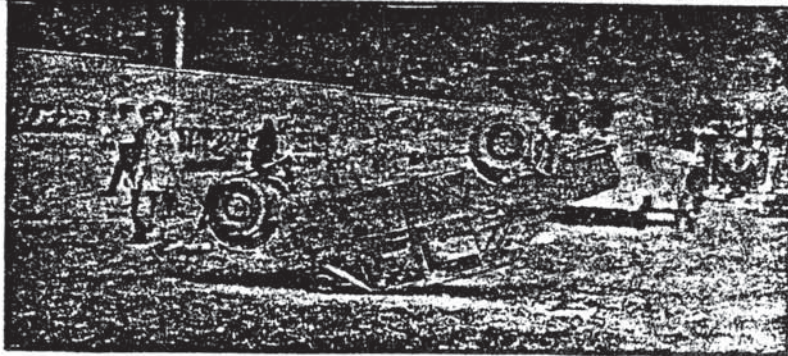
روز پنج شنبه ۶۰/۳/۲۸ هنگامی که ما دران و فعالان آنها از یک سو و مجاهدین و نیروهای انقلابی و مردم از سوی دیگر بدرگیری روی میدهند که یک زن مبارز هدف گلوله پاسداران قرا گرفته و شهید میشود. پس از این درگیری، اغتلاقی شدیدی در شهر حکمفرما شده و شهر حاکمیت نظامی بخود میگیرد. افراد به اصطلاح مشکوک مورد بازرسی بدنی قرار گرفته و ساعت ۹ شب به بعد هر کس در خیابان دیده شود بازداشت میگردد. تا کنون بیش از ۲۰۰ نفر دستگیر شده اند و در زندانهای موقتی که در چند نقطه شهر برپا گردیده زندانی و شکنجه گردیده اند.

پاسداران مزدور و فعالان آنها به شیوه نا واکبها، در شب و از دیوار به درون خانه‌های افراد مبارز و زبسته و آنان را دستگیر میسازند.

انقلابیون در رتظا میگرددند. مزدوران رژیم به تحریک با قری نژاد، رئیس آموزش و پرورش، به مردم حمله کرده و همسر یکی از معلمین و یک مجاهد دیگر را نیز دستگیر مینماید. در ضمن خانه یکی دیگر از معلمین انقلابی "پاکسازی" شده نیز حمله برده و شیشه‌های خانه وی را شکستند.

#### ● رشت

راس ساعت ۸ روز دوشنبه ۶۰/۳/۲۵ نظا هرات مومنی کوتاهی از سوی رفقای هوادار سازمان از ابتدای خیابان شریعتی شروع شد. پس از چند دقیقه عده‌ای اوباش جیره خوار رژیم با شعار "مرگ بر بیگانه" از ظرف تهردا ری سرا زبسته و خواهران "مکتبی" نیز با وانت با ربه محل آورده



تهران، ۳۰ خرداد: توده‌های انقلابی، اتومبیل (آرمدار) مزدوران مسلح رژیم را واگون کرده‌اند!

## به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم



در روستا های اطراف لاهیجان نیز درگیری های مردم با مزدوران شدید بوده و مردم از مومنی انقلابی مخالف حزب جمهوری اسلامی و لیبرالهای مرتجع میباشند.

● رودسر

درده "بی سالان" اطراف رودسر در درگیری لفظی بین افراد بسیج و مردم، البته سه تن از افراد بسیج بوسیله مردم مصادره میگردد پس از این خلع سلاح مزدوران بسیج و پاسداران اقدام به دستگیری توده های انقلابی میکنند.

● پره

بدنمال نظرات مردم مبارز "پره سر" که بدعت هواداران سازمان مجاهدین صورت گرفته بود، دوا تویوس حامل مزدوران رژیم پره سر آورده میشوند. آنها که توسط اوپا شان با قرآباد رشت رهبری میشدند، با چاقوبه تعدادی از اهالی حمله کرده و آنان را زخمی مینمایند. توده های مبارز نیز با تنبیه انقلابی، این مزدوران را وادار به فرار میکنند. جوانان و زحمتکشسان انقلابی که از اعمال وحشیانه رگانه های سرکوب رژیم به خشم آمده بودند، با سنگ و چوب شیشه های اتویوس آنان را شکسته و سه تن از اوپا شان را دستگیر میکنند. پس از آن پاسداران ژ-۳ به دست به شهر هجوم آورده و در دیوارهای شهر را به گلوله می بندند. در این میان ۳ نفر شهید و عده ای زخمی میگرددند که به بیمارستان انزلی انتقال می یابند. در این روز یکی از اکثریت های خائن بنا مصاده پروازی با تفنگ ژ-۳ در میسان پاسداران دیده شده بود که بطرف مردم شلیک میکرد.

● باغ محله خشک بیجار

بدنمال نظرات بی دربی مردم زحمتکش باغ محله خشک بیجار به نشان اعتراض به سرکوبها و خفگان اخیر، پاسداران سر ماه در روز ۶۰/۴/۱ به مردم پورش میبرند. در این حمله بنا بتکازانه که سرگردگی ورهبری آنها را پسران حاجی رضاشی سمیده ها شنند بدون تفراز مردم محله شهید و ۸ تن زخمی میشوند. یکی از شهدا زنی بنا م ذوالفقاری بود که پاسداران مزدور با شلیک تیر بصورت وی، سطرزخمی او را به شهادت رساندند و دیگری مردی بنا م اکبری است. حال زخمیها نیز وخیم میباشد.

● رضوانشهر

در یکی از روزهای هفته آخر فرورد ماه ۷۰۰ تن از توده های انقلابی رضوانشهر به دعوت هواداران سازمان مجاهدین خلق دست به یک راهپیمایی زدند. مجاهدین خلق مردم را به دادن شعار "درود بر سنی صدر" دعوت کرده. و از دادن شعارهای انقلابی از جمله آزادی زندانیان سیاسی خودداری نموده و با سختی آنها می پذیرفتند. در حالیکه مردم از این شعار استقبال نمودند. حیره خواران حزب الهی، اکثریت آنها و نوده آنها خشمگین از حرکت انقلابی توده ها، بدست و پا افتاده و خود را برای حمله آماده نمودند. اما

توده های پرشور نظا هرگتندند، همچنان به راه - پیمایی خود ادامه دادند و با سدا را نی که از جوکا جهت سرکوب نظا هرات آمده بودند، با توانداری - های هوایی خود نیز کاری از پیش نبرده و نظا هرگتندگان با یک حمله برق آما، حمله آنها را خنثی نموده و آنان را فراری دادند.

● موج وسیع مبارزات توده های در شیراز

● پنجشنبه ۲۱ خرداد:

حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر مردم در چندین نقطه شهر منحل چهار راه زند و دروازه سمعی اجتماع کرده و بر علیه سردمداران حزب جمهوری اسلامی شعار میدادند. بر اثر پورش وحشیانه اوپا شان، یکی از مفا زه داران بنا م عزیز تاشگر که قمدفرا از محنه درگیری را داشت، با یک تریلر تماشاف کرده و در دم کشته شد. یکی از پاسداران که با حمله قمدفرا خروج از ماشین و تیر اندازی بسوی سردمداران داشت، دستش به ماشه میخورد و پرا شاها بت گلوله به مغزش کشته میشود. بعد از این جریان شکارچیان جمهوری اسلامی با ماشین به غیبا بناها ریخته و تمشداد زیبا دی را دستگیر مینمایند.

کشان رژیم با تیغ سوکت ببری به یکی از نظا هرگتندگان بنا م فرها دحسنی اردکانی حمله کرده و او را بشدت مجروح مینمایند. شدت حسرات و آرده بعدی بود که این مبارز بعد از چند ساعت در بیمارستان شهادت میرسد.

● دوشنبه ۲۵ خرداد:

در غیبا بناهای اشوری، رودکی و سمعی درگیری شدیدی بین نیروهای انقلابی مرکز از هواداران مجاهدین سازمان پیکار با مزدوران رژیم صورت میگردد. مردم خشمگین به "ستا دفرا ندھی حزب الله" واقع در غیبا بنا زند حمله کرده و با سوکتول مولوتف آن را به آتش میکشند. در همین روز از طرف فالانزها یک سه راهی به میان جمعیت پرتاب میشود که عمل نمیکند. بعد از سرکوب وحشیانه، عوامل رژیم در حالیکه با ماشینهای سپاه مگورت میشدند، شروع به راه پیمایی نموده و هر کس را که در غیبا بنا و پیماده رومی دیدند، بصورت شرکت در راه پیمایی نموده و در صورت مخالفت با چاقو قومه به جان می افتادند. در این میان پسر ۱۶ ساله ای را که کتا رخیا بنا ایستاده و در مقابل اعمال زور فالانزها مقاومت می نمود، با قمه بشدت مجروح مینمایند.



تهران، ۲۰ خرداد: سرکوب نظا هرات بر شکوه مردم توسط پاسداران و اوپا شان رژیم

● جمعه ۲۲ خرداد:

نظا هرات بر علیه رژیم در اطراف دروازه سعدی صورت میگردد. ماشین سپاه زیر مشت و سنگ انقلابیون قرار گرفته و شیشه ها بش میکنند. پسر اشرتیرا ندازی با سدا ران چندین نفر مجروح می شوند.

● شنبه ۲۳ خرداد:

در چندین نقطه شهر میان مردم و فالانزها درگیری بوجود می آید. تعداد زیادی مجروح میشوند.

● یکشنبه ۲۴ خرداد:

در یکی از درگیریها در غیبا بنا زند، چاقو -

● پنجشنبه ۲۸ خرداد:

نظا هراتی از سوی جوانان انقلابی بر علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و سردمداران آن در مقابل خوابگاه دبیرات برپا شد که بشدت مورد استقبال توده های جنگزده قرار گرفت. کلیه غیبا بناهای اطراف خوابگاه توسط حزب الهی ها بسته شده بودند.

● شنبه ۳۰ خرداد:

پس از نظا هرات هواداران مجاهدین و درگیری میان نیروهای انقلابی و فدا انقلابی "چا در وحدت یکی دیگر از مراکز فرماندهی سیخه در صفحه ۱۲



# گمونیست پیکارگر رفیق نسرین (مریم) آموزگار بدست پاسداران سرمایه ترور شد!



مافا متسی استوار  
با قلبی پرزکبــــــــــــن  
حمت سه خاک و غا طربه با دها سپرده نشد  
آه چه شکوهی داشت ،  
آن لحظه ای که گلگوله دشمن ترا نشانه رفت  
آن لحظه ای که خون سرخت سنگفرش خیابان را  
گلگون ساخت  
آن لحظه ای که نهادت  
با روت خشم توده ها را به افغا رکتا ند  
و شمار "مرگ بر پاسدار" را بر زبانش جاری ساخت

چما شکوه بودی  
چما شکوه بودی آنگاه  
که ما حمله ای خونین  
بر فرا زدستها میرفتی ،  
آنگاه که شاه های با ران را  
با خون گلگون میکردی  
و نامت جاری بود  
به همرا ه ما مطلق ،  
چما شکوه بودی .

آنگاه که ما کفن خونین میرفتی  
و منتهای گره کرده پاسداران  
تورا همراه ،  
و قلبهای پر کینه آنها  
ترا بیدر قــــــــــــره راه ،  
و میرفتی تا نامت  
بهروری را صدا کنند .  
و آنگاه است که چون باد  
در گذارتبه های سرخ خواهی بود  
و چون آب ،  
بر دامن گنبدزارها جاری  
و هر روز نامت  
از سوت کا رخا نه ها شنیده خواهد شد:

در دبیرستان در سه پاداشتن کتابخانه ضابطگاه  
کتاب و تشکیل معارف مطالعه ای شرکت داشت .  
در جریان مبارزات پر شور توده ها در سالهای ۶۰  
و ۶۲ رفیق نسرین فعالانه شرکت مینمود و در  
نظاره ات بر علیه رژیم شاه شاهن فعال ســــــــــــود  
و در حد توان خود در پیشمیرها بین مبارزات میکوشید  
بعد از قبا مر رفیق نسرین تصمیم گرفت که فعالیت  
های پراکنده و غیر تشکیلاتی خود را سر و سامان  
دهد و در همین رابطه در تابستان سال ۵۸ برای  
کا راگاه هگرا نه به کا رخا نه تولیددا و رفت و در  
همان زمان در ارتباط با محفلی که بعدا بنام  
"انقلابیون آزادی طقه کا رگر" اعلام هویت کرد  
ترا گرفت . عشق رفیق نسرین به کا رگران وی  
را از عرصه دبیرستان به کا رخا نه کشا نه ســــــــــــود  
رفیق تحصیل را رها کرده و برای انجام رسالت  
تاریخی خود که آنرا با نامی موجودش درک کرده  
بود به کا را انقلابی از جمله کا ردرمان کا رگران  
پرداخت . کا رگران تولیددا و روش عمیق رفیق

بش از ۲۰ بهار از زندگی مبارزه جوانانه  
رفیق نسرین نگذشته بود که روز پنجشنبه ۲۸  
خرداد در میدان سه راه آذری به ضرب گلوله  
پاسداران سرما به مخرج شد و روز ۲ تیرماه  
بعد از گذشت ۱۵ روز مقاومت در مقابل مرگ در  
حالی که رفیق در حالت اغما بسر برده به شهادت  
رسید .

۲ روز از شهادت رفیق نسرین آموزگار  
بدست پاسداران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی  
مگذرد . شهادت رفیق عزیزمان نسرین لکنهنگ  
دیگری است سردمان رژیم جمهوری اسلامی و از  
طرف دیگر افتخار دیگری است برای کمونیستها  
که ما خون خود را آزادی طقه کا رگر و زحمتکشان  
را هموار میکنند .

رفیق نسرین (مریم) آموزگار در سال ۱۳۴۰  
متولد شد . وی در خانواده ای مذهبی که از نظر  
زندگی وضع متوسطی داشتند بزرگ شد . رفیق  
تحت تاثیر خرد سواد و روحیات انسان دوستانه ای  
که سبب پرورش داشت ، از نظرا جماعی در روابط  
سالمی قرار گرفت و عوامل اجتماع دزوی پرورش  
یافت . از آنجا که رفیق همواره با مسائل توده  
ها سر خورد داشت و به فقر و فلاکت آنها و راه بر طرف  
ساختن آن و . . . می اندیشید ، تحت تاثیر  
اطرافیان ، بتدریج تمايلات مارکسیستی پیدا  
کرد . رفیق که از روحیه فوق العاده حماسی برخوردار  
دا رسد و شدت تحت تاثیر در درونج توده ها  
قرار میگرفت ، در سن ۱۲ سالگی به سرودن  
شعر و نوشتن داستان و نمایشنامه میپرداخت .

گرایشات سیاسی رفیق که از همین سنین  
آغاز گشته بود ، در سن ۱۵ سالگی (سال ۵۵) در  
رابطه دستگیری و زندانی گشتن سرخــــــــــــسی  
اطرافیان نزدیکش ، شدت بیشتری گرفت و بعد  
از آن بتدریج در رابطه با مکتب مبارز فرار  
گرفت . روحیه فعال و پر شور رفیق در امر مبارزه  
وی را یکدم آرام نمیکرد . رفیق در فعالیتهای  
علمی در دوران دبیرستان نیز شرکت فعالی  
داشت و در جریان این فعالیتهای هم به سروروش  
دیگران کمک مینمود و هم خود پرورش می یافت .

شهید را نسبت به خود رسالتی را که رفیق در جهت  
با سخوشی بدان با تمام وجود میکوشید با طر  
دا رنده همین دلیل بود که وی را بسیار دوست  
میداشتند .

رفیق نسرین بعد از طی دوره های عضویت  
گروه "انقلابیون آزادی طقه کا رگر" در آمد .  
رفیق غیر از کا راگاه هگرا نه اش در کا رخا نه  
و ظاهر دیگری را در گروه بر عهده داشت که بنا  
پشتکا زور و حبه انقلابی آنرا به پیش مینبرد . وی  
یکی از مسئولین کا رگری گروه انقلابیون بود  
مسئولیت آموزش و فقا شی را که در کا رخا نه های  
تهران کا ر میکرد به عهده داشت . همچنین با کمک  
رفقای دیگر نشریه کا رگری "آشا د" و اعلامیه های  
کا رخا نه را که کا رگران تولیددا و آنرا به خاطر  
دا رنده نوشت . رفیق نسرین در نظر نشا تی  
و جنبش های توده ای شرکت مینمود ، هر جا نشا تی  
از حرکت توده ها بود رفیق نیز خود را به آنجا  
رسانده و با شورا انقلابی نقش خود را در مبارزات  
توده ها ایفا میکرد . وی شبها که شهر در خواب فرو  
میرفت از خانه بیرون می آمد و با وجودیکه هر  
لحظه در معرض خطر شلیک گلوله های پاسداران  
سرما به بود ، اعلامیه ها را یک یک بدرون خانه ها  
می انداخت و شبها شب خسته ولی با احساس  
رها بت بخش به خانه میرمیگشت و صبح زود نیز سه  
کا رخا نه میرفت تا در دستگیری دیگری به سارزه  
انقلابی خویش ادا مدهد .

زندگی رفیق نسرین اگرچه کوتاه بود ، ولی  
سرشا را ز تلاش ، سرشا را ز عشق به کارگران و زحمتکشان  
و سرشا را ز کینه به دشمن طبقا تی اش یعنی رژیم  
سرما به داری و بسته به امپریالیسم بود .  
رفیق آنچنان تحت تاثیر مبارزات  
تهرمانا نه خلقهای ایران بود که در سه رسال  
۵۹ همواره با رفقای دیگر به کردستان رفت تا با  
واقعیت رنده مبارزه و مقاومت و همچنین نادرها  
و دستهای تاریخی خلق کردا ر نزدیک آشنا شود  
آنها را لمس کند و پس از بازگشت از کردستان  
کوشی رفیق از شنا هده زندگی سرا سردر و رنج  
نخبه در صفحه ۱۲

## درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق



بقیه از صفحه ۱۲ نمونه

پس از نیمه شب ۳۱ خرداد ما ۶۰۰ نفر با ساداری به نام "حمشیدمهری" که در جبهه داروخون آسیب دیده بود با همدستی یکی از اعضای انجمن اطلاعاتی سیماران سرخه‌ها و سیمان "صمدوقر" با نقشه تسلی به یک زن شوهردار سیماران (که دارای سه نوزاد نیز می‌باشد) که در اثر سیمانی صرع دچار حمله شدید میگردد در هنگامیکه با طرح بیماری شدید از حالت هوشیاری خارج شده بوده و حشیا نه تجاوز کردت پس از بر ملا شدن رسوایی این دو مزدور مکتبی پاسدار - ان و انجمن اسلامی بدست و با افتادند و چون جرمان در زیندا کرد کوشیدند این تجاوز و حشیا نه رسوای را لووت کنند، پاسدار مزبور در سیماران با اقامت می - شود که چهار روز بعد با ضمانت آزاد میشود . آری، پاسداران سیمان به آنقدر رضونه اخلاق هستند که حتی نیمه شب با طرغوی حیوانی شان به یک زن سیماران تجاوز میکنند .

سرمدا را ن رژیم که پنجمین در فساد عوطه می‌خورند، شب و روز برای پوشا نهدن چه سره جنا پتکار خویش، عواما مفریبا نه به کمونیستها و انقلابیون بدترین و کثیف ترین تمتهای امیریند این مرتجعین حتی از بدگوشی علیه کمونیستهای زندانی و شیرباران شده نیز با شکی ندارند. اما ما کمونیستها اگر مخالف فساد و فحشا و امتیادو هستیم برای از بین بردن اینها ریشه‌های اصلی این تباها را می‌بازریم. فساد اخلاق و فحشا و... از "رمان" های جوامع ارتجاعی چون جامعه سیمانی است و ما برای سرکشی چنین نظامی مبارزه میکنیم تا با کمیت انقلابی زحمتکاران و بهر هبری طبقه کارگر جمهوری دیکراتیک خلق برقرار شده و به جامعه سوسیالیستی که علاوه بر اینکه مستمرا از زمین میبرد، تمام فروشنده‌های سیمان را نیز جسون فساد ریشه کن می‌سازد، گذرنا شیم .

آری! تنها در جامعه سوسیالیستی است که ما نابودی سیمان را در فساد و فحشا نیز ریشه کن می‌گردند. مبارزه خود را برای پیروزی انقلاب و سوسیالیسم شدت بخشیده و در این راه با تمام پدیده های مایولود سرمایه داری و رژیم حافظان پیکار کنیم!

بقیه از صفحه ۱۰ گسترده تر

مزدوران رژیم به آتش کشیده میشود، همه از این جریان پاسداران سیمان به بالای ما غنا نهی میدان شهرداری رفته و به حشیا نه تهرین نحوی شروع به تیراندازی بسوی مردم میکنند. در اثر اما بت گلوله مزدوران رژیم ۲۰ نفر شهید شده اند به نقل از: خبرنا مه محلی پیکار (۸)

با اندکسی شنبه و تلو شخص

● سه شنبه ۲ تیر:

"در ساعت ۶/۴۵ صبح روز ۲۲/۴/۶۰ یک تظاهرات موضعی در دروازه کارون توسط هواداران سازمان پیکار انجام گرفت. تظاهرات با شعار "مرگ پیکار سیماران" شروع شد. تظاهراتکنندگان تریا دمیزدند "زنده باد انقلاب! زنده بساد آزادی!"

بقیه از صفحه ۱۱ کمونیست

روح مقاومت جویا نه خلق کرد، جانی تازه گرفت بود.

برخورد متین و آموزشی رفیق بعدی بود که گلپه رفقا و کارگزارانی که او را مشتاقانه تحت تاثير قرار میداد در همین حال و قیام روستایی و جدیت رفیق بعدی بود که ما نیکه با کارگران کارخانه مطرح کرد که میخواهد از دواج کند، برایشان با ورتگردنی بود که آنها سرین هم ممکن است از دواج کند؟ سرینمی که شبا نه روز در جهت حل مسائل دیگران میگردد و مطالبه خودش نمی - اندیشد؟ اما کارگران کارخانه نمیدانستند که رفیق سرین قندها شت با یک کمونیست همگوش ازدواج کند، که دوشادوش یکدیگر مبارزه انقلابی خود را هرچه فعلانه تر به پیش ببرند. که از دواجش نیز در خدمت انقلاب و در خدمت مبارزه بسوی آزادی طبقه کارگر و زحمتکاران بود.



بهرم مبارزه برای آزادی طبقه کارگر توسط رژیم جنا پتکار جمهوری اسلامی موردها بت گلوله قسرا رگرفت .

پس از شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق نیز رفیق به منظور آشنایی با در دورنچ کارگران و زحمتکاران آوار و مشقات جنگ ارتجاعی سفری به هورستان کرد. روحیه تپویا رفیق که همواره وی را بدنبال ارتضا ط هرچه فعلانه تر با توده ها میگشا ند موجب میشد که تمام انرژی خود را در خدمت راه انقلاب و ارتضا ط هرچه فعلانه تر با زحمتکاران صرف کند.

رفیق سرین پس از پیوستن گسروه "انقلابیون آزادی طبقه کارگر" به سازمان ما، در موضوع کاندید عضو قرار گرفت. و فیسق در سازمان مسئولیت کارخانه خود و یکی دیگر از

هنوز چند دقیقه از شروع تظاهرات نگذشته بود که مزدوران حزب الله با قه و شمشیر به تظاهراتکنندگان حمله کردند و عده ای را بشدت زخمی نمودند. مردم به حمایت از تظاهراتکنندگان اعمال و حشیا نه فالانزها محکوم کرده و شروع به افشای حزب جمهوری اسلامی نمودند.



پیکار سیمان رفیق سرین آموزگار در سردخانه پزشکی قانونی

کارخانه های داروئی را برعهده داشت و فعلانه بصورت خستگی نا پذیر در راه تحقق آرمانهای کمونیستی اش و پیوند آگاهی سوسیالیستی مبارزان کارگران میگوشت.

از خصوصیات با زرفیق سرین شجاعیت و جسارت، شور و انقلابی بیگران و عشق با سیمان - تا پذیرش به توده ها و جدیت و انضباط پذیری، پیگیری در پیشبرد وظایف و احساس مسئولیت در انجام آنها بود.

رفیق در مبارزه بدشولویزیک تا تمام مسی جوانب برای باز نمیداد، با استدالات محکسم قانع نمیگشت، تسلیم نظریات نمیشد و زمانیکه اصولی را میپذیرفت شدیداً بدانها میبندید.

رفیق سرین دارای برخورد های توده ای بود با کارگران روابط خیلی نزدیکی داشت. برخورد او با کارگران نیکه هوادار و جویا نه سببی دیگر بودند نیز فعال بود و تلاش در جهت شناختن خط اصلی مبارزه بود. برخورد های رفیق جدی و سیاسی بود و عموماً از موضع حل مسائل به نفع جنبش و از موضع ارتقا رفقا حرکت میکرد.

از خصوصیات با زرفیق رفیق، انتقاد پذیری او و برخوردش به ضعفها و کمبودهاش بود. قدرت انعطاف و تصحیح خطاها و اشتباهات از نکات برجسته ای بود که وی را دما رشد و ارتقا میداد اگر چه با شهادت رفیق سرین، طبقه کارگر یکی از پیکارگران راه آزادی خویش را از دست داد. دولی ده ها و صدها کمونیست جانی ز پیکار راه سرین را داده اند که جای خالی او را پر خواهند کرد.

گرامی باد با در رفیق سرین آموزگار و همه شهیدان راه آزادی طبقه کارگر

چندتن از مجروحین توسط مردم به بیمارستان برده شدند و یکی از رفقا شکه بشدت زخمی شده بود را بخانه پیرزنی بردند و این پیرزن دلور خودش صفا مداوی رفیق را برعهده گرفت . . . ."

به نقل از خبرنا مه محلی پیکار شیراز شماره ۱۰

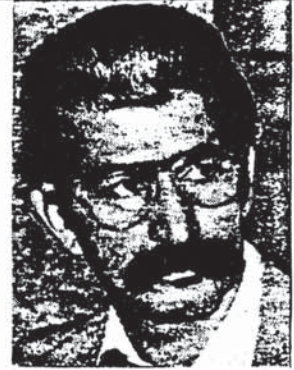


# هنرمقاومت هنرپرولتری



سعید سلطانیپور، شاعر و هنرمند کمونیست،  
بدست بورروازی تیرباران شد، اما

## ”هنرمقاومت، هنرپرولتری“ مرگ نمی پذیرد!



”روزوی که سرپایه داری و جلادانش، ملوواز  
نفرین، در گور خود مدفون شوند در آن سرروز  
کشتگان ماد و پاره پر خواهند خواست و ایمن  
شهبوروز رستاخیز نیست که آنان را بیدار خواهد  
کرد بلکه فهادی است که از مسلمانها گلو  
اوج میگردد: کارگران جهان متحد شوید!  
”از فراخوان حزب کمونیست آلمان به  
مناسب قتل کارل لیبکنخت روزوالوگزا مورگ“

رژیم جمهوری اسلامی، ایستاد روحیانه تراز  
پیش، در حالیکه از بوی سرخ انقلاب به جنونسی  
جنایت بار دجا راست، ما شین سرکوب خویش را  
براه احداخته و بر سر ابرایان رد خون و کشتار  
برجای نهاد است.

دز طول کمتر از یک هفته دهها کمونیست و  
انقلابی، با جنایتکارانه ترین روش ممکن به  
خوچه های تیرباران سپرده شدند، قتل آنان،  
بدان درجه فجیع و هولناک بود که نقش سزایی  
در تفسیر آتکار روحیات توده های ستم دیده نیست  
به رژیم جلادای پفا نمود. در لیست تیرباران شدگان  
فراوانند کسانیکه از ماها پیش، تنها به جسم  
و فادرای به آلمان کارگران و زحمتکشان،  
دستگیر شده و مدتها در ایلاتکلیسی سزمیردند،  
حوانان ۱۵-۱۴ ساله ای که با قلبی سینه از  
عشق انقلاب مرفا به بیانه شرکت در یک تظاهرات  
اعتراض آمیز، با فروش نشریات انقلابی و  
کمونیستی و... به اسارت دژخیمان رژیم درآمده  
بودند با موج سرکوب اخیر بدون محاکمه، در پشت  
درهای ستم شکنجه گاهها، سینه های خروشان نشان  
آماج تیرهای کینه مزدوران درنده خوسوی  
سورزوازی شد.

در میان تیرباران شدگان اخیر، هسه  
جهان نیا از اعدا رفیق کمونیست سعید سلطانیپور  
شاعر، نویسنده و انقلابی با سبب و ناسا وری خیر  
دار شدند. همه میدانستند که در ۲۷ فروردین  
روزی که در مراسم عمومی خویش شرکت کرده بود

با زداشت شده و ماها در شکنجه گاهها وین در اسارت  
بوده است. تیرباران رفیق سلطانیپور در عین  
حال که بیانگر جنایتکاری رژیم بطور کلی بوده  
و پرده زدن و قبحها نشین برداشت همچنین  
نشان داد، هنر کمونیستی، با پرچم خونین ددست  
هیچگاه عرصه بیگانه ریزرگ طبقه کارگر را تسرک  
نگفته و در صف مقدم رژیم تا ریخی او جای داشته  
است، در صف مقدم رژیم که بنام جنگ عظیم طبقانی،  
جنگ پرولتاریا علیه بورژوازی، در سراسر جهان  
در جریان است و تنها با پیروزی قطعی پرولتاریا  
با یان خواهد پذیرفت.

بدون تردید، تیرباران جنایت با رفیق  
سعید سلطانیپور، همچون کشتار همه کمونیستها و  
انقلابیون، برای کارگران و زحمتکشان آگاه،  
دردی جانگسایه همواره داشته و فقدان آنان تنها  
با رزمی هرچه آشتی ناپذیرتر، جبران کردنی  
است.

اکنون که مزدوران جمهوری اسلامی درلند  
- گوهای عوام فریبی میدهند و میکوشند ساسا  
تسلیمات مذبحونه و فاشیستی، حقایق را با گونه  
جلوه گرما زند، بجاست که با نیروی هرچه بیشتر  
نفرت توده ها را علیه این جنایات رژیم سسر-  
انگیز و بیجا جلوه گرما ختن چهره تا بنا که رژیم رفقا  
با دشان را در قلب سیرد توده ها، روشن نگاه داریم.

زندگی رفیق سلطانیپور:

رژمنده هنرمند و هنر روزمنده

سلطانیپور در سال ۱۳۱۹ در خانسواده ای  
تنگدست متولد شد. در شانزده سالگی به  
پس از پایان تحصیلات دبیرستان به آموزشگاری  
در محلات جنوب تهران پرداخت. آشنا شد با  
زندگی فلاکتنا بر زحمتکشان و شرکت در مبارزات  
اوائل سالهای ۴۰ و اعتصاب سراسری معلمین  
او را برای شرکت فعال در ترمینا رزه طبقاتی آماده  
- ترمینا غت. طی همین سالها بود که با بستگی  
به جنگ آوردن سلاحی دیگر برای مبارزه طبقاتی  
در اویش از پیش پرورش یافت. گرایش به  
فعالیت هنری و به خدمت انقلاب در آوردن هنر،  
بطور هر چه حدی تیرباران مطرح گشت. سالهای  
۴۵-۳۹ را صرف آموختن سیستم علمی شانزدهم  
و در همین سالها نشان داد که راه او، راه پیوند  
دادن هنر با مبارزه انقلابی است. از یکسو  
”دشمن مردم“ را به نمایش درمی آورد و از سوی  
دیگر در جنبش دانشجویی فعالانه شرکت میکند،  
نقش فعال او برای بسیج توده ها در مراسم تشییع  
جنایات تاختی که بدل به عرصه ای از مبارزه پر عریض  
علیه رژیم شاه شده بود، گویای این حقیقت است.  
او با افت و خیز جنبش همواره متناوب ترین  
شکل مبارزه را که در اختیار داشت انتخاب مینمود.  
در سال ۱۳۴۷ زمانی که توده های ستمکش در زیر  
چکمه های رژیم پهلوی، مواجها به سرکوب خشن  
پیوسته، با خواندن اشعار سوزان در جلسات شمره-  
خوانی، به میدان آمد. اشعار را انگیزاننده او در  
روشنفکران انقلابی شوری ناگفتنی را بسپارد  
میکرد. سلطانیپور اکنون دیگر هنرمندی انقلابی  
بود که با همه محدودیتها، در چشم رژیم دشمنی  
آشتی ناپذیر مینمود.

از این پس او را به جرم آنکه هنر خویش را  
در خدمت توده ها قرار داده بود، به وسیله رژیم  
دژخیم شاه به اسارت درآمد.

در سال ۴۹ نمایش ۳”موزگاران“ را کارگردانی  
کرد. مزدوران با او که به محل نمایش هجوم آوردند  
او را دستگیر نمودند، او در جنگ جلادان زبان به  
دفاع از خلق خود گشود، لیکن به سبب بازتاب  
گسترده دستگیری او و پس از چند ماهی از بند  
رها گشت. پس از رها شد، کتاب ”توئی از هنر،  
شوعی از اندیشه“ را بطور مخفی منتشر کرد، این  
کتاب اعدا عامه ای بود علیه فرهنگ منحط  
بورژوازی که شجاعانه فریبکاریهای رژیم خاش  
شاه و ”هنرنوازی“های مزورانه آنان را افشا  
ساخت. او در سال پنجاه و یک به علت انتشار مجدد  
این کتاب دستگیر شد. پس از آزادی نمایشنامه  
”چهره های سیمون ما شار“ را به اجرا درآورد.  
نمایشی که خود صحنه رژیم بود. سمید که چونسان  
رژمنده ای در سراسر سلاج نشان ترا در دست گرفته  
بود. نمایش را بدل به عرصه افشای سیاسی  
علیه رژیم برده برداشتن از تا حکذاری شاهانه  
وسوای دایگاههای دژخیمان نظمی کید. نمایش  
که تماشاگران وسیعی را به خود جلب نمود. آنان  
را به لرزه درمی آورد، و نفرتشان را علیه دشمنان  
توده ها برمی انگخت. سراسری صحنه های از آن



حودا اعلان جنگ به رژیم بود.

## شاعر عصیانگر دوران مبارزات چریکی

سلطان نور، بعنوان روشنفکری انقلابی، در سالهای سلطه مشی چریکی با تمام وجود، زبان گویا و منعکس کننده روحیه آتشین رزمندگان دوران چریکی در عرصه هنر بود. و موضوع محدودیتها و عقوبت های این دوران از سایر روزه در هنر او هویدا است. هنرا و از سوشی سرشار از تهاویری بود که تنها با شناخت آن و انشورسما انقلابی و روحیات عصیان آمیز و آتشین انقلابیون چریک قابل درک است. هنری ستا بشکر قهرمانی های کسانیکه یک تنه به جنگ با دشمن می پرداختند و میکوشیدند از خلال خون و آتش حماسه های قهرمان ها نماند. راه انقلاب را هموار کنند. مجموعه شعر "آزادهای بند" او شهادت تحت تاثیر این مبارزان است. سلطان نور به سبب انشورسما این کتاب در سال ۵۳ به شکنجه گاه برده شد. شکنجه های وحشیانه و هفت ماهه ادا می افتاد اما او توانا در راه انقلاب و خلق نیست ارمقا و مت و ادا می نبردند. دستگیریهایی مدا م خلی در عزم و برای پیشبرد انقلابی! بعدا دستگیر کرد. او توانا مدتی جنبش بوده ای همواره مورد آزار و زخمیان قرار داشت.

قبل از قیام ۲۲ بهمن، با اردگرد رشتیهایی شعر خوانی، اشعار پر جروش و وطنین افکنند اشعارن لسانالشریان به او چشم غره ریخته. هنرمندان رومیونیست، مزدورانه و را منع نمودند، چراکه او هنرا برای انقلاب میخواست و این چیزی بود که جاکران سوزواری نمی پسندیدند!

## انقلاب و سلطان نور!

شیبورا انقلاب، وطنین سیدارکننده ای داشت بقول لنین، انقلاب، آموزش سمرات عظیم تر برای رهبران در برداشت. سید عثمان به سبک هنرمندان انقلابی، این سارنه تها مانی که روحیات عصیانگرا نه شان، با شورا افراد دشمن سکن می یافت. بلکه با صفوف میلیونی بوده. هائی روی بود که عرض اعلی هجوم میبردند تا سرنوشت خویش را در گروگان سازند و انقلاب را متولد کردا شد. دنبای کهنه زبرگا های حتمکین توده ها میلرزید و نیرووشی با ورنکردنی را که قدرت دگرگونی جهان کهنه را داره نمنا پیش میگذا رد. و این سارسلطان نیورا موخت که بیوند - هایش را هرجه عمین تها شده ها تحکیم بخش زروه پرولتا ربا این رزمنده ترین پیش مردم سما بد، از این روا و سرودخوان مبارزان گشت و در اشعار خود به ستایش آنان پرداخت و آرزوهایش با ملزومات پیبرد طبقه کارگردرهم آسخت و سرودش، سرودستان حزب آینده، سرود ستایش نیروی کمپر طبقه کارگر، سرودنا کز بسری سوسا لیم گشت.

از مهمترین فعالیتهای او پس از قیام ۲۲ بهمن، شناختن و گسترش "عناصر آقا کارگران ناسیونال" بود که وضعیت کارگران و توده های زحمتکش را

در انقلاب ۲۲ بهمن ترسیم می نمود، و حانسیس پرولتا ربا را در مبارزه علیه بورژوازی میگرمت، از همین روا این نمایش با خمر رژیم روسوند. تا آنجا که مستقبما مورد هجوم مزدوران افزارگرمت و نشان داد جمهوری اسلامی با هنر زمنسیده کمونیستی چه دشمنی آشتی نا پذیری دارد.

## علیه روزیونیسیم

سیدسلطان نیور بعنوان یک هنرمند کمونیست نمیشناخت با روزیونیسیم همگام باشد. زمانه بر ما زمان چریکی ای فداشی خلق، ای سید سلطان ای دوشولوزی بورژواشی ساقا با ما رکسیم، قلبه یافت، و منحصر به اشتا بگشت، از زمان آقا زار میوند خویش را از کسانیکه به پایبندی سرما سید، داران شتا فتند، برید، چرا که او پشت سید سوزواری داشت. هر چند این امر بدون تزلزل در مقابل روزیونیسیم نبود، لیکن از آنجا که اکثریتی ها "راه چاگری سوزواری را در پیش گرفته بودند، و او در پیش رورای جز نبود، بلکه دشمنان طبقه کارگر و دولت سرکوبگر آسما ن یعنی رژیم جمهوری اسلامی نمی یافت نتیجتا همه محدودیت های سیاسی - ای دوشولوزی سبک رفیق سلطان نیور مانع آن نبود که راهش را از راه عوامل مزدور بورژوازی جدا سازد. بدینسان او تا عمر کمونیست و هنرمند پرولتا ربا باقی ماند. و به صف رزم تا ریحی طبقه کارگر پیوست و به دشمن سازش نا پذیر رژیم جمهوری اسلامی بدل شد.

## قیام بازان سلطان نیور چه چیز را ثبوت میرساند؟

شیربان فداشی خلق رفیق سلطان نیور، پیش از هر چیز بیباگر آشتی نا پذیری سوزواری با نمابندگان آقا زحمتکشان است. رژیم جمهوری اسلامی امروز بیشتر از هر زمان دیکر به ما است که برای نجات سوزواری چاره ای نیکیور، ددمنشانه انقلاب و در ره تزل فتن عام نمابندگان واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان ما نندارد. اما بدینسان، توطئه های گستاخانه ضد انقلابی، قصابی های پراز خونریزی و سنا با ت نبع خود را پیش از پیش ظا هر میا زد و نسوزد توده ها رسوا تر میگرد و به شوت میرساند که برای کسب آزادی انقلابی و جلوگیری از سابع هر روز، چاره ای جز در هم شکستن کل قدرت سوزواری، نا بودی کل نظام مشتی بر اشتا رود هم کوفتن طبقه دشمن در میان نیست، البته کشتار سید سلطان نیور بیباگر حقیقتی دیگر هست و نشان میدهد، هنرا انقلاب، هنرونا داره پرولتا رسا و زحمتکشان. هنری که از سر جسته سید سلطانیسی کارگران و زحمتکشان علیه سوزواری میشود، و از آلمان شکست نا پذیرا و اشاع شده است پرچم خونالودش را لحظه ای در میدان مبارزه ها نخواهد ساخت. نشان میدهد دشمنان پرولتا ربا، برخلاف نغمه های فریبنده آزادی، حتی از چاری شدن آقا که ای های انقلابی سوزان سر، و همه دارند و خوا شورا نانه سرکوب ددمنشانه اندیشه های انقلابی می بردا رد. این نشانگر

دشمنی سوزواری با قله های رفیع اندیشه بشریت امروز، بشریت زجر دیده و زحمتکش است و هنرا انقلابی سنا به سلاهی از آقا کی نمیتواند از دشمنی ارتجاع سی نصیب بماند اما سنا انهمه هنرمقا و مت، هنرپرولتاری مرگ نمی پذیرد و در دما مان مبارزات شکست نا پذیرش مردم غریده - تروشا دایتر گردن می افرازد.

هنرا انقلابی با ادا ز سیدسلطان نیورا پسند کرد دشمنانی سازش نا پذیر در صحنه بیباگر رجانسی پرولتا ربا و سوزواری را با سوزواریا موزدوبیا موزد که هیچگاه سگتر نبوده طبقات را ولوتا آخرین قطره خون ترک گوید و سازش نا پذیر پرچم خویش را برافراشته نگا هدارد. خاطر رفیق سلطان نیور برای ما با آ وروضا یف هنرمند کمونیست، و نقش او در عرصه مبارزه انقلابی است. هنرمند پرولتا یا با بدبا سرفیق قرار دادن این نمونه ها، ایسان داشته با شکره و فاداری نسبت به انقلاب افشاندن و قفه نا پذیریدر آقا هی در میان توده ها حتمی تهای جوخه تها ران سی حاصل نیست سلطان نیور با قرا رگرفتن در کنار انقلاب، با مرز بندی سنا. روزیونیستهای فداشان اکثریت، با استادگی در برابر رژیم سرما به داری وابسته جمهوری اسلامی، وفا داری به آرمان زحمتکشان را تا حد جانبازی به شاست رسا ندوشتا ن داد که هیچگاه بین هنر پرولتا ربا و سوزواری ساشی در میان نیست و جز تشنگی در این سید هیچ چیز حتم سیمیرا ند!

## نمونه دیگری از "اخلاق مکتبی"

یک پاسدار سپه راه یک برادر رفیق "اش"، در بهارستان سرخه حصار به یک زن بهما رتجا و زگرودند.

در صفات شماره های گذشته بیباگر بهما رها نمونه های شمشزکننده آن اخلاق مرتجعین "مکتبی" را بر ملا ساخته ایم. قسا داخلاق، فحشاء و هزاران انحراف دیگر در جوامع سرما به داری با هر پوشش عوام فدریما نه ای که این جوامع بهود گرفته سنا شند، اجتناب نا پذیرا سنا ما مسئله اصلی اینجاست که سرمداران جمهوری اسلامی و مزدوران رژیم خود سرمنشانه سنا پلیدی ها و جنایت ها هستند با قیافه های حق بهمانسب قریا شنانا جاسمه را که با انحراف اخلاقی و قساد کشا نیده شده اند محکوم به سنگا روزدان و اعدام میکنند و خود جرمومه های قسا در آسما ن سی - پرورا نند. نمونه ها بسیار رندا ما نمونه زیر سراز آنها شبکه در یک سیمارستان و برای سبک زن سیمار مبتلا به سرع انتساق افتاده است. بصفتی دنا شت و خیمیتی این مدعیان "اخلاق" و "مکتب" تبه در صحنه ۱۲



### چین: دعوی رومیونیستهای مرتد و ادامه مبارزه طبقاتی!

با لاف و پس از یک دوره کشمکش میان بندهای رومیونیستی موجود در حزب حاکم بر چین، دار و دسته "تنگ" توانست "هوا" را از صحنه بدر کرده و کلبه مراکز قدرت را در دست خویش متمرکز کند. چندی پیش "هوا" تحت فشار ربا نه "تنگ" مجبور شد مقام نخست وزیری را به "زا شویانگ" که طرفدار "تنگ" میباشد واگذار نماید و امروز نیز "هوا" که "تنگ" مجبور به استعفا از رهبری حزب گردیده و به ناچار جای خود را به "هوا شوینگ" که جزویا نسد "تنگ" میباشد سپرد.

درواقع این دو بناد ارتجاعی رومیونیستی هیچگونه تضاد طبقاتی با یکدیگر ندارند. دعوی های آنان انعکاس اختلافات میان فوآکسیونهای مختلف بورژوازی چین میباشد. هر دو بنا نند ضد انقلابی "هوا" و "تنگ" متحداً بر علیه خط مشی ما رکسیستی حاکم بر حزب، مایلین آن و رفیق ما شوقیا مگردند و پس از مرگ رفیق ما شوتمرض ضدا انقلابی خود را ایما دکشده ای بخشیدند. هر دو بنا ندر رومیونیستی با تصرف قدرت به سرکوب کارگران و گادها ی سرخ پرداختند. کمونیستهای همچون رفیق "چیانگ چینگ" را به زندان انداخته و به اعدام و سپس تحت فشار زوده ها به حبس ابد محکوم ساختند. دستاورد های انقلاب فرهنگی را نابود کردند، به تخریب ساختن سوسیالیسم اقدام نمودند و در یک کلام دیکتاتوری پرولتاریا را از زمین برده و سرما به داری را مستقر ساختند. آری هر دو بنا ندر رومیونیستی برفد پرولتاریا متحداً قیام نمودند. آنان علیرغم اختلافات خود نمابندگان بخشهای مختلف بورژوازی بوده و ما هیئتاً رومیونیست و ارتجاعی میباشدند. در واقع "هوا" در پی آن بود که خط مشی رومیونیستی را با اعتدال بیشتری پیاده نماید و بیسوسی از خط ستریمیستی حمایت میکرد اما ما ستریم "هوا" کا ملا یک خط مشی رومیونیستی بود. حال آنکه "تنگ" با وقاحت تمام موبی پرده خواهان تحکیم سریع سرما به داری و تحکیم فوری مناسبات با امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم آمریکا بود بورژوا - رومیونیستهای که امروز حاکم بر چین میباشدند در عرصه سیاست داخلی دقیقاً یک خط مشی سرما به داری را به پیش میبرند. آنها دبا بورژوازی که در زمینه اقتصادی و سیاسی، احباب مذهب و کلیسا و تا مین امکانات وسیع برای تحمیل کارگران و سایر زوده ها از طریق انتشار رکتب و افکار مذهبی، در دسترس قرار دادن شعائر ضد انقلابی، بگذا رمد کلیسای بنکند! اجرای قانون سرما به گذا ریهسای امپریالیستی در چین بخصوص سرما به گسذاری آمریکا شی و زابنی، حاکم گرداندن سود بر تولید و وابسته کردن هر چه بیشتر اقتصاد کشور به امپریالیسم جهانی، اینها نمونه های از سیاست



امسال کارگران و زوده های آگاه در شانگهای دست به یک تظاهرات بزرگ زدند. در این تظاهرات چندین هزار نفر شرکت نمودند و از جمله خواستهای آنان اعتراض به بیکاری و شرایط مشقت بسیار زندگی بود. پلیس مرتجع به این تظاهرات حمله کرده، به ضرب و شتم تظاهرات کنندگان پرداخته و تعداد زیادی را دستگیر نمود. این تظاهرات در تمام مپارزاتی است که بخصوص در سراسر صنعتی علیه مرتجعین حاکم بر چین صورت گرفته است. این مبارزات نشان میدهد که پرولتاریا و رزمندگان کمونیست در چین همچنان به آرمان سرخ کمونیسم وفا دارند و برای تحقق آن همه بیگانه طبقاتی خود همچنان ادامه میدهند. بیکاری که از نابودی بورژوا - رومیونیستهای خاش و در هم شکستن قدرت سیاسی آنها میگذرد.

### جنبش انقلابی شورماکش - آتش زرخاکستر

در شماره پیش خیری داشتم از اجتماعات کارگری در ماکش (مغرب)، اینک برای آنکه خوانندگان ما را با اطلاعاتی هر چند جامالی از اوضاع این کشور داشته باشم، نکاتی را به اختصار می آوریم:

مبارزات آزادیخواهان و انقلابی ضد استعماری و ضد امپریالیستی در کشور های مغرب عربی (لیبی، یونان، الجزایر و مراکش) دارای سابق درخشان و طولانی است. امپریالیستها ایستالیا شی، اسپانیا شی، فرانسی و آمریکا شی هر یک بنوبه خود در سرکوب طبقه ای این کشورها اقدام کرده و ضرباتی دردناک نیز از دست خلق های قهرمان این منطقه میباشند. ستراتیژیک دیانت کرده اند ولی علیرغم اینها، بدلیل نوپا شی این جنبش ها و عدم رهبری طبقه کارگر و خواست بورژوازی و خرده بورژوازی که رهبری این مبارزات را بدست داشته، هم اکنون کشور ما این کشورها (هریک بنحوی) کارگران و زعمتکشان مورد سرکوب و استعمار قرار میگیرند. رژیمهای بورژواشی تونس و مراکش، دارای سیستم سرما به داری - داری بوده و به امپریالیستها ی غربی وابسته می باشند و در لیبی و الجزایر سرما به داری دولتی حاکم است که کلا به سیستم جهانی امپریالیستی وابسته می باشند.

پس از جنگ جهانی دوم جنبش های رها شی بخش علیه امپریالیسم قرار نمده، در این منطقه اوج گرفت امپریالیستها ی فرانسی و اسپانیا همیاری دیگر امپریالیستها، تا آنها کسسه "تیبشان برید" سرکوب کردند و آنها که "تیبشان کندند" با ارتجاع مصلحی دست به ماش زدنند تا انقلاب را محدود و متروک کرده اند. آنرا خفه سازند. بدین ترتیب بود که در تونس با خیانت آشکار بورژوازی برهبری حسیب بورقچه بسک "استقلال دروغین" به تونس "اعطاش" (۱۹۵۵) و

داخلی بورژوازی حاکم است. بهرواضح است در سترچین ساختی در عرصه های مختلف فساد گسترش می یابد. فساد داری رشوه گیری بطرز بسیار بقه ای در چین گسترش یافته است. تنها در سال گذشته بیش از ۴ هزار رپرونده مربوط به سوء استفساد، زبست های دولتی برای استفاده شخصی مقامات مملکتی مطرح گشته است. بر اثر همین فساد بیش از ۴ میلیون رددلارا از موال عمومی توسط مقامات کشوری به جیب اول رفته است. در حال حاضر بنا دهای دزدان افزایش یافته است و در همین ارتباط ارتکاب به قتل بشدت زیاده شده است. گسترش مدهای امپریالیستی، رواج فیلم و فرهنگ امپریالیستی، توسعه فساد اخلاقی و غیره از دیگر نشانه های روبنای سرما به داری در چین میباشد. سوسیالیسم فساد فرهنگی - اجتماعی بیگانه است و اگر امروز فساد در چین اشاعه می یابد به خاطر آنستکه در چین سرمایه داری حاکم شده است.

در عرصه سیاست خارجی چین رومیونیست خط سازش با امپریالیستها ی غربی را بشدت دنبال میکند. رومیونیستهای سجهانی چین در رقابت بورژواشی خود با سوسیالیسم امپریالیسم شوروی روابط بسیار تنگی با امپریالیسم آمریکا برقرار نموده اند. بنحوی که در سال ۱۹۶۹ موافقت نامه ای "در زمینه اطلاعاتی میان دو کشور امضا شده است. بر اساس این موافقتنامه امپریالیستی، امپریالیسم آمریکا در خاک چین موفق به استقرار دوا بستگاه استراق سم گردیده تا بدین طریق بشو اندفعال و انفعالات در شوروی و از جمله آزمایش موشکهای شوروی را تحت کنترل قرار دهد. تکنیسین های چینی تحت نظارت مستشاران آمریکا شی در این دوا بستگاه فعالیت داشته و بدین طریق آمریکا میتواند رقب خود یعنی امپریالیسم روس را تحت نظارت خاص خود قرار دهد. بنا بر این می بینیم که "تنگ" هاش برای دریافت تکنولوژی امپریالیستی حاضریه فروش ها ک چین است.

در برابر این خیانتها پرولتاریا ی چین ساکت ننشسته است. پرولتاریا ی چین از زمان تصرف قدرت توسط بورژوازی جدید تحت اشکال مختلف به مبارزه خود ادامه داده است و ما چندین بار در شماره های قبل "پیکار" نمونه های از این مبارزه را متذکر شده ایم. به علاوه در ۲۲ خرداد



استعمارنویا و شدروزا فزون سرما به داری وابسته با های خود را در تونس محکم کرد. وضعی که تا به امروز در تونس ادا می‌دهد رده‌ها را ملازم مساکرکوب طبقه کارگر و دیگرو بزرگ حمتکشان و دیگتا شوری خونین سورنیسه‌ای بوده است.

انقلاب الجزایر نیز با همه اوج و گسترش و مقاومت حاکمان انگیزش با شورش رهبران بورژوا و خرده بورژوا در نیمه راه متوقف ماند پس از ۷ سال جنگ استقلال و حدود یک میلیون شهید، با انعقاد قرارداد ۱۳ ویان (۱۹۶۲) از ادا می‌زد است. مراکش هم که در اواسط این قرن شاهد مبارزات گسترده و منجمله جنگهای پارتیزانی برهبری شخصی بنام عبدالکریم الخطابی (که خود از مبتکرین نظامی این نوع جنگ است) بود، مبارزات توده‌ها در آن، سرنوشتی دردناک - تر داشت و فوئودا لها توانستند در همین حال که بسیاری از امتیازات "دیرین خود را حفظ می‌کنند راه همزیستی با سرما به های امپریالیستی و نفوذ سرما به داری وابسته را نیز هموار کنند. هم اکنون در مراکش، این سازش بین فوئودالیسم و سرما به داری وابسته موجب حفظ نهاد سلطنت و مالک اموال بی حساب مالکان بزرگ ارضی و درباریان و روسای قبایل از یکطرف و گسترش روزافزون سرما به داری وابسته از طرف دیگر شده است.

پس از کودتای ارتعای ملک حسن دوم در سال ۱۹۶۱، رژیم در راه تحکیم با یک طبقه تئوسی خود و تقویت اختلاف بین مالکان بزرگ ارضی و سرما به داری وابسته، به اقدامات فوری و جدی دست زد. رژیم تمام تلاش خود را برای کنترل و هدایت اقتصاد کشور در جهت وابستگی هر چه بیشتر با آمریکا بر برد، علاوه بر این امتیازات ویژه‌ای به امپریالیستهای آمریکا ش داده شده که نمونه آن را در نفوذ گسترده اقتصاد و نظامی (وجود ۳ پایگاه نظامی آمریکا در مراکش) میتوان مشاهده کرد. صهیونیستهای اسرائیلی نیز از این "خون بنما" بی نصیب نماندند و علیرغم "عربی بودن" این کشور، روابط "پنهانی" بسیار حسنه‌ای بین اسرائیل و مراکش وجود دارد. (برای نمونه به خریدتای نکهای اسرائیلی از طرف مغرب میتوان اشاره کرد و با حمایت ضمنی ملک حسن از "ملیح" کمپ دیوبند)

سودهای سرشار ارتجاع و فقر زحمتکشان

وابستگی ارگانیک رژیم در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی به امپریالیسم جهانی و پیوسته آمریکا، عوامل و استعمار طبقه ارتعای حاکم کارگران و زحمتکشان را روز بروز در فقر بیشتر فرو میبرد و موجبات مهاجرت حدود یک میلیون کارگر مراکشی را که در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی و آمریکا شایا کارهای طاقت فرسا استعمار میشوند، فراهم آورده است. مبارزات کارگری و توده‌ای نیز در اشکال مختلف همواره جریان دارد. این مبارزات که عمدتاً در اتحادیه

های زید با اتحادیه‌های زیر نفوذ فرمیست‌ها و رویزیونیست‌ها و متعصبانها از حد مطالبات اقتصادی فراتر نشسته و رژیم‌ها نواخته است. سیاست "جماق و نان شیرینی" آنها را سرکسوب نماید. زندانها و اداگاهها همیشه نما کنند. مبارزه زحمتکشان در شهرها و روستاها، علیرغم شکستهای موش‌ننده و هما نظور کسسه اخیراً اخبار جزا بد نشان میدهد. این مبارزه از یکطرف و مقابل رژیم ارتعای مغرب در برابر آن به ثبات حدود ۵۰ کارگران می‌دهد است. هم اکنون مبارزات کارگری، دهقانی و مبارزات دانشجویان با هم پیوند خورده و به مرحله رشد نوینی نزدیک میشود.

نیروهای سیاسی

الف: احزاب با صلاح اپوزیسیون، این احزاب در جهار چوب قانون اساسی حق "تفسیر کشیدن" محدود دارند تا آنجا که بتوانند با "تفسیر" های خودهای رژیم را "گرم تر" و امن تر سازند و با سموم فرمیسم و رویزیونیسم ملوئی انفعال را گرفته "سویا باطمینان" برای ادا می‌جساول دسترنج زحمتکشان بدست سرما به های امپریالیستی و وابسته‌ها شند. مهمترین این دارو - دسته‌ها که گاه چندگرمی در بارلمان و بد دست بالا یکی دوپست وزارت می‌دهند است. هم بدست می‌آورند و غایب یا کوچکترین "فصولی"، برکنار می‌گردند.

ب: حزب استقلال: که بورژوا کمپرادورها را نمایندگی میکند. رهبران حزب لال الفاسی با شاه شین هم‌داری و روابط نزدیکی بود. حزب سوسیالیست جناح راست منسحب از تشکیلی که در اواخر سالهای ۶۰ بنام "اتحاد ملی نیروهای خلق برهبری مهدی بن برککه" بوجود آمده بود. این "اتحاد" در اساس خود بقایای بورژوازی ملی و نیز خرده بورژوازی را نمایندگی میکرد. مهدی بن برککه در رأس جناح مبارز قرار داشت، شین بهما شش با رژیم نداد و برنامهای خود را تحت عنوان "گزینه‌ش

انقلاب" ارا شده‌اند. او و جمعی دیگر از سزنان اتحاد که‌ها ضربه‌ها شش نشدند، با محکوم به اعدام شدند. بعدها بن برککه در نتیجه توطئه منتشر گ. پلیس فرانسه و مراکش دربار ریس ربه‌ها شده و به شهادت رسید (۱۹۶۵). هم اکنون ادا می‌دهد جناح راست را شخصی بنام مهدی لرحیم بومعبد رهبری میکند که چندی پیش در وزارت مراکش نیز شرکت داشت. این جناح که لیسیرا لها و کمپرادورها را نمایندگی میکند، بعدها نام "حزب سوسیالیست" را برای خود برگزید چون ملک حسن از نام قبلی "اتحاد ملی... خوش نمی‌آمد!

ج: حزب "کمونیست مغرب": این حزب رویزیونیست‌ها شینکار که در کشورهای عربی به "حزب کمونیست سلطنت طلب" معروف است در خباتت به طبقه کارگر بدست "حزب توده" را از پشت بسته است. رویزیونیستهای مغربی و دبیر کل شان بنام "علی بخته" ضرورت (!) سلطنتی بودن رژیم را شوریه کرده‌ها توجه به ترکیب اجتماعی مراکش منجمله وجود قبیلگی، سلطنت پادشاه مفید بلکه "ضروری" می‌دانند!! این احزاب رفتمیست و رویزیونیست چه عمومی را بین زحمتکشان شهر و روستا می‌پراکنند و چه خباتت‌ها شین میکنند، حتی جایی به بحث بیشتر ندارد.

د: احزاب و نیروهای انقلابی - اینها عموماً تحت پیگرد قرار دارند و با در تبعید می‌مانند. و تا آنجا که می‌توانند با تنداز: گروه‌گزینش "انقلاب" (الاختیار الشوری). هما نظور که شاره کردیم، آنها همان جناح مبارز "اتحاد ملی نیروهای خلق" هستند که همچنان نامی را که شهید بن برککه برای برنامها شش برگزیده بود، بهر خورده‌ها رند. نفوذ آنها بین اقشار متوسط شهری و روشنفکران خرده - بورژوا و گاه اتحادیه‌های کارگری است. رهبری آنها را شخصی بنام "محمد البصری" که از مبارزان قدیمی جنگهای استقلال مراکش است دارا می‌باشد. آنها بین کارگران مبارز نیز فعالیت دارند. نشریه شان دربار ریس منتشر میشود بنام "الاختیار الشوری". آنها همگاری قابل توجهی با "الفتح" دارند.

ه: گروه "مارس" - که خود را مارکسیست - لنینیست میداند، یک گروه انقلابی است. این نیرو در برابر سوسال امپریالیسم موضع ما شتر و شدیداً متزلزل دارد. نشریه‌ای به همین نسام دربار ریس منتشر میکند.

و: گروه "بهبش" - این گروه نیز خود را مارکسیست - لنینیست میداند، انقلابی است و در برابر ثوروی موضعگیری ما شتر دارد. نشریه آن به همین نام (الی‌الامام بههبش) دربار ریس منتشر میشود.

ز: هر یک از این گروهها در داخل کشور نیز فعالیتها شین دارند. تعداد زندانها شین و شهیدای وابسته به این گروهها که عمدتاً از بین دانشجویان و کارگران هستند نشان فعالیت آنها در داخل است.

پشتیبانی توده‌ها از انقلابیون و نقش خانان توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها

در روز ۱۵ خرداد حدود ۲۰۰۰ تن که اکثر آنها توده‌ای، اکثریتی و خانانهای با مداران بودند ابتدا در هفت تبه بدست بهرا همیاشی زده و سپس در ساعت ۱۲ ظهر حمله گسترده‌ای را بر علیه نیروهای انقلابی آغاز کردند. عمل مسلح رژیم با دوما شین مزد و یک جنب استیشن به "منازل" کاغذی رن‌پورش برده و در مقابل چشمان مردم بطرزی خونخوار آمیز عده‌ای از هواداران معاهدین را دستگیر و زانختمان غارچ ساختند. مردم شاهد بقیه در صفحه ۱۸



# حمله پاسداران مزدور به خانواده‌های زندانیان سیاسی اوین

با رشد مبارزات توده‌ها و تشدید سرکوب این مبارزات بدست رژیم جمهوری اسلامی، هرروز تعداد بیشتری از فرزندان خلق به سیاه‌پالی‌های آریا مهربی افکنده میشوند و خانواده‌های آنان اطلاعاتی از سرنوشت فرزندان نشان بیدان نمی‌کنند در همین رابطه در تاریخ ۲۵/۳/۶۰ عده‌ای از خانواده‌ها شبکه فرزندان نشان در طی مدت اخیر دستگیر شده بودند برای کسب اطلاع از سرنوشت آنان جلوی زندان اوین اجتماع میکنند. پاسداران با دادن جواب‌های سرپا لایه خانواده‌ها خشم و نفرت آنان را برمی‌انگیزند. این سرباز مزدوران با فحاشی به نیروهای کمونیست و انقلابی و حثت خود را از کارگاه‌گران نشان میدادند. خانواده‌ها نیز زندانیان را با دیدن این برخورد با اعتراض بدور پاسداران جمع شده و شروع به افشاکاری مینمایند. یکی از آن‌ها میگفت: "انقلاب کبیریم که باز هم بهترین فرزندانمان در زندانها بسربرند و خودمان از آفرادنی سر و پای مثل شماها اینهمه حرف‌ها مربوط بشنویم؟" همزمان با تشدید تعرض خانواده‌ها نسبت به پاسداران، بیلندگویی زندان اخطار مینماید که خانواده‌ها از جلوی دروازه‌ها با پاسداران متفرق شوند که جمعیت اعتراضی به این اخطارها نمیکند. مزدوران برای پراکنده کردن جمعیت شیلنگ بزرگی با قطره‌غن سا نشینمتر را با فشار آب قوی به روی جمعیت میگیرند. در این هنگام زنی که بر اثر فشار آب به زمین پرت شده بود، به‌ساره آجری را برداشته و بطرف پاسداران می‌اندازد. پاسداران با مشت و لگد به سرزن ریخته و بسا شلیک گلوله مردم را متفرق کرده و سعی میکنند زن را داخل زندان ببردند که با مقاومت وی روبرو میشوند. این مزدوران با دیدن مقاومت زن، او را شدیدتر زیر ضربات مشت و لگد و حثیات خود میگیرند. جمعیت با دیدن این جنابست پاسداران با خشم و نفرت فریاد می‌کشند. سپس پاسداری را در آوردن کلت و نشان رفتن بطرف زن، دیوانه‌وار از زوی میخوابد که داخل زندان نباید. به‌رحال پاسداران موفق میشوند زن مزبور را بدون زندان ببرند. خانواده‌های خشمگین از جنابست رژیم میگفتند که ما لایحه روزی خواهد رسید که شما را ما ننند و اکیه‌ها قطعه قطعه شما کنیم.

مرگ سرخسلاخان رژیم!  
زندانی سیاسی انقلابی به هم  
توده‌ها آزاد با بسدگردند!

# کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز ایران! رژیم شما را به جاسوسی علیه انقلاب فرامیخواند، توطئه او را به خودش برگردانید!

امروز همان انقلابیونی که در سالهای سابقه رژیم آریا مهربی تحت بیگرد و شکنجه بودند، همان انقلابیونی که در راه حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان سخت‌ترین شرایط مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده‌ها را تحصیل می‌کردند... آری همانها امروز نیز تحت بیگرد هستند. کمونیستها و انقلابیون در ادامه انقلاب خلقهای ایران که در ۲۲ بهمن درخشید و لسی متوقف مانده همانا به پیش میروند، با خفتن و سرکوب مبارزه میکنند. غیبا نتهای رژیم جمهوری اسلامی را در باره مبارزه با سرمایه‌داری و استبداد حمایت از سرمایه‌داران و زمینداران افشا میکنند. اینها الان تحت بیگرد قرار دارند. رژیم از شما کارگران و زحمتکشان و قیما نه میخواهد که افراد کمونیست و انقلابی را بسنه کمیتها و با پاسداران جهل و سرما به‌گزارش کنید رژیم میخواهد از شما جاسوسی در انقلاب بسازد و جوانان را با کما زوا انقلابی ایران را بدست خود

مردم بسند. با آگاهی هرچه شما متربا این توطئه مقابله کنید. با کمونیستها و انقلابیون که نشر به‌پخش میکنند با آنها را به نحوی میشنا سبد هم‌کاری کنید اما می‌فانینها و حزب الهی‌ها و توده‌های مبارز اکثریتی‌ها این غاشین به طبقه کارگر را که به جاسوسی برای سرمایه‌داران و رژیم جنا پتکار جمهوری اسلامی می‌پردازند افشا کنید. شما توطئه رژیم را برای بدست آوردن اطلاع از مردم عقیم بگذارید و در عوفی غاشین و ضد انقلابیون سا و اکی و فانیان را بر دیوار کوجه‌ها و محاسلات مربوط به اهالی مغربی شما شد. رژیم شما را به جاسوسی فرا میخواند. با هم‌کاری با کمونیستها و انقلابیون، مشت محکمی برده‌ها را بکوبید. از اطلاعاتی دادستانی و سبها پاسداران را به ضد خود بیدل سازید. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# شاه میگفت: "ما ۳۳ میلیون ساواکی داریم!!" رجائی میگفت: "ما ۳۶ میلیون حزب‌اللهی داریم!!"

مردم آگاه ما بیاد دارند که تا جلاد و خون‌آشام در آخرین سالهای حکومت ننگین پهلوی، کسبه ما مورین درخیم واک و کمیته مشترک رژیم، شب و روز در کوجه و غیبا نتهای برای عدا م انداختن انقلابیون جان برکف، به جاسوسی و توطئه‌چینی مشغول بودند. در باره ساخ خبرنگاران خارجی که در اثر فشار افکار عمومی بوده‌ها، تعداد ساواکیها را از شاه میپرسیدند جواب میداد که: "در ایران ما ۳۳ میلیون ساواکی داریم". شاه جلاد در روزهای که تا قوس مرگ رژیم ضد خلقی اش به صدا درآمده بود، مذبح‌خانه سعی میگرد تمام مردم ایران را جاسوس رژیم و در واقع حامی خودها بزند. اما هیچکس حرفهای بوج آن مرتجع خون‌آشام را باور نکرد. و امروز ما شاهد تکرار مرمخه‌ها و توطئه‌ها هستیم. در حالیکه توده‌های زحمتکشان در برابر ما همساکمیت خانمان براندا ز رژیم جمهوری اسلامی و در اعتراض به سرکوب و کشتارها، مقرر و فلاکت توده‌ها، بگرانی و قحطی، بیگاری و دیداری، فقدان بهداشت و بی‌مسکسی... فریاد دشم برآورده‌اند؛ رجائی مرتجع ادعا میکند که "کاسینسه" او ۳۶ میلیون عضو دارد، "تعداد حزب‌اللهی‌ها ۳۶ میلیون نفر است" و دیگر مرتجعین حاکم نیز همین لاطا ثلات را تکرار میکنند. مردم ایران رژیم ادعا میکنند که شما مردم ایران از رژیم جمهوری اسلامی حمایت میکنند

ولی همه آنها از آفت الله خمینی تا نبوی خاشن با خواهش و تمنا از مردم مبارز میخواستند که هر حرکت "مشکوک" را به "ما مورین انتظامی" خبر دهند و خمینی از مردم آگاه ما میخواستند که: "همه همسایه‌های خودشان و رفت و آمدهای مشکوک را تحت نظر بگیرند" (صبح آزادگان - ۱۰ تیر ۶۰) شما از بیگانهای انقلاب که می‌مها باوشجاعانه و با رعایت ضوابط انقلابی، منبیتی برای دادن آگاهی سیاسی به توده‌ها، روز بروز بر نما نیست خودافزوده‌اند و حثت دادید و لذا برای دستگیری و تعقیب آنان مردم مبارز ما را به جاسوسی دعوت میکنند. مبارزات گسترده توده‌های انقلابی آنچنان لریزه برانداز مردم را در جمهوری اسلامی انداخته است که از یکسود و روغهای شاه ما با نسه میگویند و همه زحمتکشان و توده‌های آگاه ایران را "ماموران" رژیم جاسوس می‌نند و از طرف دیگر با درماتنگی تمام از خلقهای زحمتکشان ایران میخواستند که به نفع سرمایه‌داران دست به جاسوسی بزنند ولی این توهین بسیار شرم‌آور را توده‌های انقلابی ایران تحمل نخواهند کرد. زحمتکشان میهن ما همانطور که به‌شاه، "نه" گفتند و با سخ تسلیمات مسموم و گویلیزی او را با مشنها ی گره کرده و فریادهای انقلابی دادند، با عکاز رژیم جمهوری اسلامی نیز قاطعانه و با ادا ما مبارزه انقلابی، رفتار ما سبھی خواهند داشت.



# رژیم جنایاتش را اپوشانی میکنند! برای کشتارهایش دلیل میتراشد!

### کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز ایران

هما نظور که میدانید، در روز شنبه ۳۰ خرداد یک تظاهرات عظیم توده‌ای با بیستکار مجاهدین خلق و با شرکت نیروهای کمونیستی و بسیاری از هموطنان آگاه و مبارز مدتها در تهران برپا شد.

چنین تظاهراتی که برای رژیم جمهوری اسلامی غیرقابل انتظار بود مشت محکمی بدهان رژیم و پورش‌های سبانه آن به نیروهای انقلابی نواخت. رژیم‌پاندهای حزب الهی را در آرزوی با وحشگری شما به جان تظار هر کشتگان انداخت بسیاری را کشت، مجروح کرد و سزندان فرستاد رژیم میخواست زهر چشم بگیرد و با ملاح "قلمیست" نشان بدهد و توطئه سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی را که از مدت‌ها پیش روی کاغذ بود، در عمل بیابان نماید. بدین ترتیب بود که از یکطرف دستگاه‌های دروغ برآکنی خود را با تمام ظرفیت خود به کار انداخت. رژیم‌پاندها کرده ۲۵ حزب - اللهمی در این تظاهرات کشته شده اند ولی چیز نامکفرتینما علی ما زندانی که با زمزمیوم نیست چگونه کشته شده بود کسی دیگری را نتوانست اعلام کند.

رژیم برای آماده کردن ذهن توده‌ها برای کشتار کمونیستها و انقلابیون بدست به سبک ساواک شاه و "مقام منبیتی" معا حبه تلویزیونی با شرکت خاشنین و جلادان ما رکدار ریختی محمدی گیلانی و لاجوردی ترتیب داد و عکس جا قوونفل و نمک (!) را به نمایش گذارد و نیروهای کمونیستی و انقلابی را "جا توکش" و "جانسی" و "قاتل" معرفی کرد! محمدی و لاجوردی اسلام دانشند که مجروحین و زندانیان را میتوان کشت و در ادا ما بین جنايتها در شبانگا روز ۳۱ خرداد، ۲۳ انقلابی و کمونیست را در زندان اوین شیره با ران کردند. رفتارها سداران حتی با اجساد این شهیدان بقدری سبانه بود که در کمترین زمانی بوقوع پیوسته است.

صبح روز دوشنبه اجساد شهیدان را چون لانه در اوسمیل میریزند بطوریکه جلوی پزشکی قانونی هنوز خون از آنها سرازیر بوده است. اجساد دختران شهید را که در جا درهای سبانه آن پیچیده شده بودند در سابلین پزشکی قانونی روی زمین انداخته بودند. ما سداران به اجساد بیگانه شهیدان را آزادای لگدمیزند و بی حرمانه نفاشی‌های رکیک میکردند!

خون آنانی رژیم، عطشی داشت که سیراب نشده بود شبهای بعد کمونیستها و انقلابیون را در دسته‌های مختلفه نفی ۱۱ نفی و غیره در اوین و

نیز در شهرستانها تیرباران کردند و طوطی چندروز تعداد شهیدان از مرز ۵۰ گذشت. رژیم همان راه اوبسی و محمد رضا شاه را پیش گرفته است و آن اینکه بسا کشتار و راه انداختن همان خون، تسمه از گسره توده‌ها با بد کشید! ولی همه میدانیم که پسین خیال غامی پیش نیست!

رژیم به نحوی خاشنا نه و مزورانه در کنار این کشتارها به اعدا مبرخی از فدا انقلابیون ساواکی نیز پرداخت و انقلابیون پاک و جان سرکسف و کمونیستهای راه‌راهی کارگران و زحمتکشان را در کنار گمانی مانند امضا میرانی مدیتر خوا نندینها گذاشت با بشیر ما نه در کنار رنا مبرخی از شهیدان فساد اخلاقی و قتل را ذکر کرد! این رژیم متحان خود را خوب پیش توده‌های آگاه داده است. در کشوری که فدا انقلاب بر آن حکومت میکند، بهشتی "مظلوم" از آب درمی آید و لوسی بیگاری و فداشی و مجاهد آمریکائی می شوند! بقول معروف "کار دیوانه‌وار و نه است!" رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جوانان انقلابی و کمونیست را به "جرم" پشاه اعلامیه در خبا بسا ن ترور میکند بر فاشی را که ما هها پیش دستگیر شده اند در یک عکس العمل دیوانه‌وار و ریس‌از تظاهرات ۳۰ خرداد بدون معا کمه تیرباران مینماید بزمن مبارزی بنا ملاحظه آقا خانی مقدم را که ما هها ملبه بوده هرا ما شوهر کمونیستد اش رفیق علی عال مزاده کرمانی (هر دو از گروه کمونیستی نبرد) به جوخه اعدا میسپارند آنوقت به کمونیستها و انقلابیون لقب "جاننی و قاتل" میدهد!

### کارگران، زحمتکشان!

همه میدانند که حقیقت چیست. هیچکس از شمتها و دروغهای رژیم نمیتواند جنایتهای بی حساب آنرا توجیه و لاپوشانی کند. در کجای دنیا کسی را بجا تر پخت. اعلامیه ترور میکنند؟ رژیم‌پاندها به چنین اقدامی فقط زندان ابد میداد در کجای دنیا مجروح و اسیرا میتوان کشت این راهبتر نیز نمیگردولی حاکم شرع محمدی گیلانی که مجتهد است و از طرفدایت الله خمینی به مقام ریاست دادگاه انقلاب منصوب شده آنرا درست و اسلامی و قرآنی میدانند و میکوشد این حکم جنایتکارانه را به کله مردم فرو کند. در هیچ کجای دنیا از احساسات مذهبی توده‌ها این چنین فحیح استفاده نشده است! رژیم اینهمه جنایت را با نام قرآن و اسلام بخورد مردم میدهد ولی عمر این شبا دیها و عوام فریبی‌ها طولانی نیست. توده‌ها اگر آگاه شوند با چنان خشم و کینه‌ای لبه تیز حمله را بسوی این رژیم برخواهند کرد اندک دمار از روزگارش درآید.

بعد از آنجا ر مقر حزب جمهوری اسلامی، رژیم سنت دیرین روضه خوانی و گریه گرفتن از مردم و امان زدن به احساسات و توهم توده‌ها را بکار گرفته میکوشد خود را پاک و مظلوم و انقلابیون را آمریکائی و جانی قلمداد نماید. رژیم میکوشد از این انفجار و سبانه تازهای بسیاری سرکوب کمونیستها و انقلابیون و راه انداختن همان خون سزادولی این حقیقت را از پند توده‌ها میخواست هدیها ن بداند که حزب جمهوری اسلامی و کسانیکه در آن حادنه کشته با مجروح شده اند تا چه حد تا به امروز کشتارهای خونین نظیر قتلان و قاترنا و... و اعدایهای او پسین بر راه انداخته با بر آن سعه گذارده اند.

### کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز ایران

با استفاده از هر سقمیتی فریاد متراش خود را علیه سرکوب کمونیستها و انقلابیون که از سوی رژیم سبانه و توجیه میشود بلند کنید. دروغ‌های و قبحانه رژیم را برای اطرافیان خود فاش کنید و با کمک و همکاری با انقلابیون و کمونیستها راه انداخته انقلاب دمکراتیک خدا مهربان است! خلفهای ایران را هموار سازید. سازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۱۶  
بشپتیانی  
ما هرا ما سدارانی را که یک دختر ما هرا با خود میبردند ما سنگ مورد ختم انقلابی خویش قرار دادند. آنها با حضور ما ل و روحیه بسیار ما ل و تنها جمی خود به سبانه بت از دستگیرشدگان بیگانه و نتوانستند تعدادی از آنان را از جنگ مزدوران رژیم خارج سازند. در این روز جمعا ۱۲ تن از هواداران ما همدین دستگیر شدند.

### جنایت بیشتر مانده پاسداران در بیمارستان جهرم

در روز شنبه ۶۰/۲/۲۴ در شهر جهرم دو تن از ما همدین خلق در یک درگیری در همین بخش و فروش شدت مجروح میشوند و در بیمارستان تحت مداوای پزشکان قرار میگیرند. در هنگام مداوا چند پاسدار و حزب الهی به بیمارستان آمده و همه پزشکان و پرستاران را از اطاق خارج میکنند و میگویند ما با اینها (ما همدین زخمی) کسار داریم. ناگهان مدای شلیک چند گلوله به گوش میرسد. وقتی مسئولین بیمارستان وارد اتاق میشوند می بینند که دو ما همدین خود در غلظت به گدین و... او خورده است وضع شدت زخمی دارد. آری، وقاحت او با شان مزدور رژیم جمهوری اسلامی را حدی نیست. به نقل اختصاری از خبرنامه محلی بیگار شستراز شماره ۱۵



# یورش رژیم حاکم علیه زحمتکشان به سرکوب آزادیهای دموکراتیک محدود نمیشود:

# اعدام انقلابی کجوتی مزدور بدست یک پاسدار!



رشد مبارزات قهرمانانه کارگران و زحمت - کشان میهن ما علاوه بر سرسوزا سخت چهره جنایتبار رژیم جمهوری اسلامی و افشای مزدوران آن در صفوف ارگانهای سرکوب آن چون سپاه پاسداران و ارتش نیز شکافانداخته و بخشی از آنان با بی بردن به ما همت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم، بسا این ارگانها را ترک میکنند و با دست به اعمال انقلابی میزنند.

طبق اخبار موشق موج اعدامهای اخیر فرزندان اسپرعلق در زندانهای آریا مهربی که موج نفرت و کینه توده ها را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی برانگیخت، موجب شد تا یکی از پاسداران زندان اوین از موضوعی انقلابی به فکر اعدام انقلابی کجوتی و لاجوردی و کیلانی، این مزدوران شناخته شده رژیم بیفتد و چون لاجوردی در جریان سم گذاری در مقر حزب جمهوری اسلامی زخمی گشته بود و محمدی کیلانی را نیز بیدار نمیکنند، کجوتی جلاد و یک آخوند بگرا در محوطه زندان به رنگارمی بندد. در این جریان کجوتی کشته شده و آخوند زخمی میشود.

## باز هم تخریب خانه های زحمتکشان! باز هم تخریب دکههای بیکاران!

تشدید سرکوب و غفلان و بیورشهای مداوم و حشانه مزدوران مسلح رژیم جمهوری اسلامی علیه زحمتکشان آگاه و نیروهای انقلابی و کمونیست، زمینه ای است که در پناه آن، رژیم حاکم خواستهای حق طلبانه زحمتکشان را مورد یورش قرار داده و همچنان به توطئه علیه زحمت - کشان و کارگران ادا میدهد.

رژیم حاکم با استفاده از جوارع آب و تهدیدی که با امواج پشت سرهم دستگیری انقلابیون و زحمتکشان آگاه و شکنجه و اعدام زندان سیاسی انقلابی به مراتب شدیدتر از گذشته با دگرگیده است، به زحمتکشان که با هزاران در دور و نزدیک در مناطق زحمتکش نشین نظیر یافت آید دکلمه محقری برای خود و خانواده شان ساخته اند. یورش میبرد و در یک حمله وحشیانه ۱۰۶ خانه را ویران میسازد و نام آنرا میگذارد: «جلوگیری از کارهای خلاف... عده های سودجو! آقا و اقنا سراغ خود - جویان را با بد دریا نغز آید، حسیرت آید، کسوی ولی عمرو مثال آنها گرفت با در میان سرما به - داران کاخ نشینی که رژیم جمهوری اسلامی با تمام امکانات از آنها حمایت میکند؟

آری! در ادا مهر سرکوب خونین زحمتکشان و نیروهای انقلابی است که رژیم در تداوم سیاست ضد خلقی دموال و چند متاهلش بر زحمتکشان دکه - دار مجددا یورش میبرد و بسا ط آنها را در شان کرده و بجای ایجا دکار (که از خواست و توان چنین رژیم جنایت پیشه ای بدور است) آنها را روانه "دادگاهها" و زندانها مینماید.

سرمداران رژیم حاکم با سودجویی از فضای تهدید و اوعای که به کمک دستگاههای تبلیغاتی

۶۰ دکه غیر مجاز پرچیده شد

سروس حری - ساختمانی مربوط به موسسه شهرداری تهران طوسی اعلامیه ای جهت اطلاع شهروندان تهرانی قسمتی از امارت های هفت گانه امته اجراءات و انتظامی شهرداری تهران را به این شرح اعلام می دارد: احضار و معرفی متخلفین از مقررات شهرداری هفت گانه، دفتر تفریح و تفریح و اقامت برگ دوم پیش آگهی و احضار به به اجراءات دفتر کمیسیون ماده ۱۰۰، کمیسیون تخصصی مزاحمت و سایر اجراءات ۱۷۹ مقررات شهرداری از ضوابط ساختمانی بدون پروانه ۲۰۴ مستطک، جمع آوری سده مهر ۱۰۰۰ قریه گرسنه صبح ششم در گذشت گاه تهران ۲۱۸۴۴ ولس، برهانشن ۵ که غیر مجاز ۶۰ قریه

۱۰۶ ساختمان شهر قانونی تخریب شد

به اطلاع شهروندان تهرانی می رسد که به منظور جلوگیری از کارهای خلاف ساختمانی بعضی موجود که در زمینه های گوناگونی واقع در بافت آباد بدون داشتن مجوز مخابرات به احداث ساختمان نموده بودند در هفته جاری توسط عوامل شهرداری مستطک ۱۸ جصاصا ۱۰۶ واحد ساختمانی خلاف اعم از مسکونی، تجاری و دیگر کس تخریب گردید. روابط عمومی شهرداری تهران

جمهوری اسلامی - پنجشنبه ۱۱ تیر ۶۰

غریب و طولیل بوجود آمده اند، خواستهای حق - طلبانه زحمتکشان بی ممکن و بی کار را شدیداً سرکوب میکنند و با جیب "فدا انقلاب" به زحمتکشان مبارزه، اعتراضات حق طلبانه آنان را به خاک و خون میکشند.

آری! تشدید حملات وحشیانه رژیم حاکم و اوسان مزدور و حزب جمهوری اسلامی علیه نیروهای کمونیست و انقلابی و سرکوب حرکت های اعتراضی و حق طلبانه زحمتکشان ارتجاعی ناگسنتی با اخراج کارگران از کارخانه ها سرکوب بیگاران دکه دار و تخریب خانه های محقر زحمتکشان بی مسکن و... داد و دوسه همین جهت با بد مبارزه علیه تعرض گسترده اخیر رژیم حاکم بر علیه نیروهای انقلابی و موج اعدام های کمونیست ها و مجاهدین را با مبارزه زحمتکشان برای یکف آوردن حق عادلانه شان در مورد کس، کار و مسکن و... در هم آمیخت.

با تلاش در هدایت و جهت دادن مبارزات زحمتکشان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی، در اتحاد و آگاه ها سخت آنها بیش از پیش بکوشیم.

نقشه از صفحه ۲۲ دومین ۰۰۰۰

بطرز وحشیانه ای رفیق را شهادت میرساند. قاتلین رفیق پس از گذشت او، سعی میکنند شهادت رضا را از خفگی طبیعی در آب جلوه دهند اما با افشاکاری با ازان رضا و شناختات موجود در پیونده بزرگ قانونی، نهایتاً مزدوران رژیم بر ملا گردید. شهادت رضا، با ازان مبارزه و یادنامه راه انقلابی او با برجا شروا ستوار تر نمود.

در دومین سالگرد شهادت کمونیست جوان رضا بر توند، با سرخ او را که در راه آزادی زحمت کشان از سوغ استنشا را مرگی سرخ به شهادت رسد، گرامی میداریم.

باش جا و بسند بسا د!

مزدوران ارتش را در ناها رخوری لویزان به رنگار بسته و به حیات تنگیشان خا تهمه دادند. آری، در دورانی که مبارزات توده ها بر علیه رژیم های ارتجاعی اوج میگردد، شفته های انقلاب بسا درون ارگانهای سرکوب این رژیم نیز راه یافته و بر سنل زحمتکش آنها را به اروپا روشی با فرماندهان و سرکردگان خا ششان میکشاند. چنانکه اکنون نیز در دوران اوچگیری مبارزه، توده ای بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بنمونه اعدام انقلابی کجوتی و لاجوردی گرا تا هدم.

درود بر سنل مبارزان و زردون ارگانهای سرکوب رژیم!



### حمایت پرسنل مبارز بیمارستانها از انقلابیون

بدینال فراری دادن چندین تن از رزمیهای محاهد در بیمارستان، لیبانی نژاد توسط پرسنل آگاه و مترقی بیمارستان، دویا سدا را با مورخانی از رزمیهای با قیما نده نمودند و حتی یک پرسنل مدجروح را با دستبند به تخت می بندند که میاد فرار کنند، اما پرسنل آگاه و راه فراری میدهند، در پی این فرارها، رئیس بیمارستان، سرپرستار گل و دکتر و پرستار مجروحین و دو تن از کارکنان را به کمیته احضار میکنند و با استوالات مختلف میکوشند تا ملین فرار را پیدا کنند، پس از چندین بار زهری و با زجوشی، یکی از مستخدمین روزمرد را به جرم فراری دادن زخمی ها اخراج میکنند، لازم به تذکر است که اکثریتی ها و توده ای ها در اخراج فرد مذکور نهایت همکاری را با عمل رژیم بعمل میآورند.

### رژیم جمهوری اسلامی حامی خانهای ما می باشد!

رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال وانگیزی حاکمیت خود، بنا به ما هیت طبقاتی اش، ضمن فریب دادن دهقانان از طریق بند "ج" لایحه ارضی و... همواره در مقابل دهقانانی که به معادله انقلابی زمینهای مالکین و فئودالها اقدام میکنند ایستاده و در دفاع از زمینداران و سا سرکوب و کشتار دهقانان ستم دیده پیش رفتند است. از جمله اقدامات فئودالی و حمایتی رژیم زمینداران بزرگ، تصویب زبیس دادن زمینهای معادله شده توسط دهقانان روستاهای "بکش" مسمی میباشند.

قبضه از این قرار است که ولی خان کنانی قسمت مهمی از زمینهای سه روستای منطقه "بکش" به نامهای بکش دودانگه غفلی و علیا (پسل) فلهیان - سا جگه) و آهنگری را از زمین دهقانان جدا کرده بنا به سرورزش به شیت میرساند، اما بعد از قیام ۲۲ بهمن ۵۷ دهقانان منطقه ایسین زمینهای غصب شده را معادله میکنند، در ایسین اوا خرپرستان به رژیم شکایت میسرده هیئت ۲ نفره نیز به نفع او را می دهد. ولی دهقانان سرافکارانه و متعدهانه مقاومت میکنند و حاضر به بی دادن زمینها، حتی اگر کار به خونریزی نکند، نمیشوند. آنها همچنین نامندگان خود را به شیراز معادله ها انقلاب میفرستند و لسی دادگاه انقلاب نیز مانند هیئت ۲ نفره استرداد زمینها را به خان تصویب و تا شیت میکنند، ایسین تنها نمونه ای از اقدامات فئودالی رژیم است دهقانان نامیدگول سیاستهای فریبکارانه رژیم مسمی بر حمایت از دهقانان را بخورند

آنها با بدستعدا نه به معادله زمینهای نشودالها و مالکین و زمینهای غصب شده خود اقدام نمایند. (با استفاده از علامه هواداران سازمان در مسمی) ۶۰/۲/۱۰

### "تشدید فشار رژیم بر جنگزدگان از وحشت ارتجاع است"

سپاه پاسداران سرما به این ارگان سرکوب رژیم بدینال وقایع اخیر، تنها جرم خود را بر علیه جنگزدگان آگاه نمیشدند بلکه به سرکوب وحشیانه مبارزات و خواستهای حق طلبانه آنها پرداخته است:

بهمن منظور روز چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷ با سداژان ارتجاع دو پرسنل جنگزده را در مقابل خوابگاه ۲۵ (واقع در مشرفا طمی مقابل دژبان) بسدودن هیچگونه دلیللی کتک میزنند. عده ای از سداژان عینی به همراه جنگزدگان در اعتراض به این عمل پاسداران، آنها را حاسبی کتک میزنند و همچنین کلیه عکسهای جسدانده شده برود و دیوار خوابگاه را کتک به آتش میکنند، پاسداران با سعت ۱۲ شب با دو ماشین پاسدار خوابگاه را معادله کرده و با حمله به اطافهای خوابگاه و دوشنفر از عتاسر میارززا که قبلا بوسیله جاسوسان خوابگسسه شناسایی شده بودند دستگیر کردند. پاسداران همچنین با سرزدن به اطافهای دیگر، جنگزدگان را از خواب بیدار کرده و اطافهای آنها را سرود تفتیش قرار دادند، این عمل موج افشاکگری بر علیه پاسداران را در خوابگاهها بالا برده آنها را خوابگاه آزادی فوری دستگیرندگان شدند، پاسداران از ترس حرکت انقلابی جنگزدگان با سعت ۳ نیمه شب جیبونه به یکی از دستگیرندگان را آزاد میکنند.

روز بعد پنجمشنبه (۶۰/۳/۲۸) اهالی خوابگاه معترفا نه در حالیکه بر علیه سپاه و رژیم افشاکگری میگردند خواستار آزادی فوری فرد دستگیر شده میشوند. در ساعت ۱۱ صبح هماترورزها سداژان دویا ز به خوابگاه حمله کرده و چند نفر از جوانان انقلابی را با زور به اطافی برده و با جوب و جبات شدت کتک میزنند پاسداران وحشگری را جبدی میرسانند که یکی از منازرین خوابگاه توسط پاسداری بنام "دستغیب" به شین برتاب میشود و دستش میزند. زنان که از این اعمال سغانه پاسداران به خنم آمده بودند در پیرون خوابگاه برای عابرین به افشاکگری می بردازند. مردم نیز به حمایت از جنگزدگان با آنها همسدردی مینمایند.

تشدید فشار رژیم بر جنگزدگان برای سرکوب حرکتهای تعرضی و حاکم کردن عقان و در نهایت سرکوب انقلاب است.

به نقل اختماری از خبرنامه مطلی بنکار  
شیراز - شماره ۹

### مردم: مرگ بر سرمایه دار، مرگ بر سرمایه دار

در تاریخ دوشنبه ۲۶ خرداد بدینال گران فروشلی یکی از معاذره دارانی که حزب اللهی هم بود، مردم مسجد سلیمان به معاذره زوی حملسه ور شده و علاوه برزدن معاذره دار، با شاعرهای "مرگ بر سرمایه دار" "مرگ بر سرمایه دار" "مرگ بر سرمایه دار" "مرگ بر سرمایه دار" تخریب اجناس معاذره زوی پرداخته و ماشین او را به آتش میکشند. همچنین مردم شاعر میادندند: "اتحاد، میارزه، بهر روزی"، "زحطلی و گرانلی"، از جنگ ارتجاعی مردم به تنگ آمدند. این حرکت با شرکت ۵۰۰ تا ۷۰۰ تن از مردم و با حدود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ شمشاچی انجام گرفت.

حمله پاسداران به صفوف مردم و تلیک هوشلی هیچگونه تا شیری در اراده خلل ناندید آنها بر جای نگذاشت. مردم هنگامیکه بر اثر تیراندازی موقتا عقب نشینی مینمودند با ردیگریا شمار "مرگ بر سرمایه دار" را در صحنه میخواندند و در همان حال تصمیم میگیرند به یک معاذره دار ردیگریکی وی نیز از با زاربان معروف و پولدار است حملسه نمایند. بهر حال درگیریهای مردم با رژیم در این روزها ظاهرا معادله میکنند. مردم چریسان واقعه را برای کسانیکه نشینوند با زگو کرده و بعد از ظهرها ترور نیز با ردیگری جمع میشوند. ابشار پاسداران و شهر بانی با یک برتا مه مشترک، با انداختن گاز اشک آور و ترساندازی هوشلی سعی میکنند مردم را متفرق نمایند.

در روز سه شنبه نیز مردم علیه رژیم بسیج مزدوران و پاسداران با ردیگری جمع مینمایند. روحیه تعرضی توده ها در این دوروزها نگرختم و کینه عمیق آنان از سرکوبگران توده ها بود.

### مردم کمیته چیان را به عقب نشینی واداشتنند

در ساعت ۷/۳۰ دقیقه روز ۶۰/۳/۲۳ یک بنکان استیشن کمیته که کمیته جی سرنشین آن بوده و چند دختر میارززا حمل میگردند، در میدان امام حسین ظا هرشد، دخترها از پشت شیشه مردم را به کتک می طلبیدند. مردم نیز بسوی ماشین دویده و دور آن را گرفتند، یک زن چادری با شوری قابل تحسین در ماشین را با زگرده و به دخترها گفت: "بیرون بیاید" اما یک کمیته جی با ستن درمانع شده و ماشین در ترانیک میدان قعدا را مع حرکت راداشت. مزدوران رژیم در طی بسودن میدان چندین بار با مردم معترفا و سرور شده و سرانجام مجبور به رهاساختن دختران گردیدند. بعد از آزادی دختران معادله ای از مردم همراه آنها رفتند تا معادله حزب اللهی ها به آنان معده ای برسانند.



نخبة از صفحه ۲ سرمقاله همه

جمهوری اسلامی در بین مردم و نیروهای انقلابی برانگیزنده است، بستر مساعدی است که میتواند بجای تبدیل این کمینه و نفرت به نیروی آگاه هی بخش جهت تکامل مبارزه توده ها وسیع آنها برای ورود هر چه بیشتر به صحنه مبارزه و توسعه و ارتقاء مبارزه طبقاتی، به نیروی محرکه ای جهت برانگیختن غرابسز و تمايلات خرد بورژوازی در عرصه تاکتیک تبدیل گردد. در شرایط کنونی که زمینه مساعدی برای پیدایش تمايلات و اتحاد درونی و تاکتیکی آنها ریشستی در جنبش کمونیستی و انقلابی بوجود آمده است، مبارزه ما این روشها و تمايلات در کنار مبارزه با گرایش انحلال طلبانه راستی که آن نیز زمینه عین تکوین و رشد دارد، به وظیفه خطیری برای پرولتاریا تبدیل شده است. موضع پرولتاریا برای آگاه نسبت به تسرور سرخ این بوده است که این تاکتیک، به صورت یک شکل فرعی مبارزه و آنچه تحت شرایط مساعد و از جمله در شرایط موقیمت انقلابی، میتواند سودا استفاده قرار گیرد. در چنین شرایطی، عمل ضرور، به عنوان یک شکل فرعی مبارزه میتواند در حفظ و ارتقاء روحیه مبارزاتی توده ها و متقابلا تضعیف روحیه فدا انقلاب، که در اوج شدت خود قرار دارد، مؤثر افتد. این شکل از مبارزه، تحت شرایط مذکور مبارزه با راست متکی به مبارزه توده ها و در پیوند نزدیک با آنها که تا ثیرات مثبت آن فقط و فقط در رابطه با نیروی حاضر در صحنه مبارزه توده ها مفهوم پیدا میکند، حتی در این شرایط نیز، وظیفه اصلی پرولتاریا برای آگاه سازمان دادن مبارزه جاری توده ها و ارتقاء و تکامل آن میباشد.

در دورانی که سطح مبارزه توده ها هنوز از وضعیت انقلابی بدور است، در شرایطی که توده وسیع مردم، با در صحنه مبارزه سیاسی حضور ندارند و با در انکال با ثنی مبارزه مینمایند دست زدن به تعرض مسلحانه و ترور، از جانب نیروهای کمونیستی و با دموکراتهای انقلابی چیزی جز انحراف از تاکتیک صحیح در مبارزه سیاسی نمی باشد. این شکل مبارزه، بهر ترتیبی که صورت گیرد، با سنجیم سیاسی را در میان توده ها رواج میدهد و آنان را او میدارد که مبارزه تهرمانان ترور و عملیات نظامی، بجای مبارزه خود، بدل بسندند. تاکتیک ترور و مبارزه مسلحانه چریکی در این شرایط، توده ها را به نظر رهبران غیرفعال تبدیل می کند و ذهن آنان را از آگاهی به نیروی واقعی خود و از نیروی اصلی محرکه انقلاب، بهمنسی مبارزه مستقیم توده ها منحرف میسازد.

در شرایط کنونی، مبارزه توده ها، علیرغم آنکه ربه گسترش و توسعه است، اما بهیچوجه در سطحی نیست که انکال عالی مبارزه را در دستور قرار داده اند. توده ها در بخش وسیع خود هنوز با ایدئولوژی پرورشی نیا فتنه اندوخته و هنوز مبارزه و ذهنیت شان آغشته به توهم نیست که

آلترناتیوهای ارتجاعی است. از طرف دیگر تناسب قوا هنوز به نفع ارتجاع است و بهمین جهت انقلاب در شرایطی نیست که به تعرض قطعی دست بزند. این واقعیت در کنار رخلت و بسزؤ اوضاع کنونی، یعنی حدت بحران سیاسی، تکامل ناموزون تفاوذا و سطح مبارزه توده ها در بخش ها و مناطق مختلف، بطور عمیق، شرایطی را نشان میدهد که در آن این امکان وجود دارد که قبل از نفع شهاشی دوران تدارک انقلاب و جلب اکثریت توده ها بطور فعال به جنبه انقلاب، انفرادکا مل ارتجاع و تشویر شنا سب نیروها به نفع انقلاب و تحت تاثیر حوادث و رویدادها هی پیش بینسی نشده و با دوشویرات سریع در اوضاع، بسنگ درگیری زودرس به انقلاب تبدیل گردد. در چنین شرایطی اتحاد تاکتیک انحرافی از طرف نیروهای انقلابی میتواند این روند را بطور گور و خود بخودی تسریع نماید و با سوزاندن مرحله تدارک انقلاب، تا جاشکه در محیط آماده و عمل عنصر آگاه قرار داده و ضریات و لطافات حدی به انقلاب وارد سازد.

تحت شرایط حاضر دست زدن به تاکتیک ترور و شیوه های مبارزه مسلحانه چریکی، جزئی از آن تاکتیک های انحرافی است که یکلی بنا روند عینی سطح مبارزه توده ها در تعرض قرار داشته، و با به انحراف کشاندن این مبارزه لضا ت حدی به اردوی انقلاب، وارد میسازد.

همچنین این تاکتیک آنا ریشستی، بنا قرار داد این نیروهای سیاسی انقلابی در برابر سرزمین ارتجاعی، در شرایطی که توده های وسیع مردم هنوز در صحنه مبارزه سیاسی بطور فعال وارد نشده اند، و حمایت توده ها از پیشا هنگ طبقه کارگر ضعیف است، امکان سرکوب شدن آنها را در مبارزه با قرار دادن نیروهای انقلابی در برابر ارتجاع بطور قهرآمیز، در شرایطی که تناسب قوا بطور کامل به نفع ارتجاع است، دست ارتجاع را در پراکنده نمودن صفوف نیروهای انقلاب با زتر مبارزه چرکا این تاکتیک و روش مبارزه، در حالی که توده ها در سطح نا زلتی از مبارزه قرار دارند، از پیشوا نه نیروی مادی آنها بدور است و بهمین جهت در صحنه مبارزه بجای مبارزه توده ها با ارتجاع، مبارزه نیروهای سیاسی انقلابی با ارتجاع به جریانی می افتد. و این همان جوهر آنا ریشم است که میخواهد خود را بجای توده ها به صحنه مبارزه روبا روی با رژیم کسلی داد و خود را نیروی محرکه انقلاب قرار دهد!

علاوه بر این چنین تاکتیک، بلحاظ معدم تنا سب سطح و شکل مبارزه توده ها و ذهنیت آنها، در شرایطی که ارتجاع این چنین لحام گسیخته و بی محابا دست به سرکوب و کشتار میزند به جای آنکه توده ها را به نیروی عظیم مبارزه خودشان واقف سازد و امکان رها نمودن این سرزری و نیروی مضام انقلابی را فراهم سازد، توجه توده ها را به سرزری و نیروی "شگفت انگیز"

و "اعجاب آور" رهبران "معجزه گر" جلب میکنند و کینه و نفرت طبقاتی آنان، نسبت به اعمال ارتجاع، با چنین سطحی از مبارزه و آگاه هی، با چنین روش های آنا ریشستی و اعمال "انقسام - جویانه"، فروکش می نماید و آنان را بسه نظاره گران منفعل در صحنه مبارزه تبدیل می کند و این حقیقت را از آنها می پوشاند که باسن خود آنها هستند که با نیروی مبارزه خویش می - خود آنها هستند که با تعرض ارتجاع را در سرکوب انقلاب بخشی نمایند! این خود آنها هستند که میبایست با فعال شدن در اردوی انقلاب و با پیوستن به جنبه مبارزه فعال، بد شکست نا پذیری در برابر موج لحام گسیخته ارتجاع ایجا نمایانند. و امواج تهاجم ارتجاع را نسبت خودش بازگردانند. تاکتیک ترور و با برتا کتیک های غیر توده ای در این شرایط، بهر کمینه و نفرت طبقاتی توده ها نسبت به ارتجاع آب سردی میباشد که برانجام به با سنجیم سیاسی می انجامد.

طبیعی است که نیروهای مختلف از زوایای مختلف ممکن است به این تاکتیک های آنا ریشستی در غلظت، از نقطه نظر پرولتاریا، موضوع مارکسیسم - لنینیسم نسبت به تاکتیک صحیح و انکال مبارزه روشن است آنان اما از موضع جنبش طبقه کارگر و توده ها حرکت میکنند و براساس آن تاکتیک خود، با نا سنجیم خود را بجای توده قرار نمی دهند و با سیاسی تاکتیک های خود را این ایدئولوژی در برابر سرزمین است. و وظیفه عنصر آگاه هدایت و ارتقاء مبارزه طبقاتی پرولتاریا و توده ها است و نه مبارزه های آنها.

یک نیروی خرد بورژوازی دمکرات که چرخه بلحاظ خلعت طبقاتی خود، همواره در عرصه تاکتیک زمینه سوق با فتن به تاکتیک های آنا ریشستی را دارد، لیکن مبارزه بهیچر قاطع پرولتاریا برای آگاه با این تزلزلات و انحرافات میتواند وی را به سمت خط مشی و تاکتیک های دموکراتیسم پیگیری کند. و به همین جهت مبارزه پرولتاریا برای آگاه با این انحرافات و تاکتیک های خرد بورژوازی هم در درون جنبش کمونیستی و هم در درون جنبش انقلابی یا نیروهای خرد بورژوازی دموکرات از اهمیت اساسی برخوردار است.

چنین است برخی از عوارض و نتایج ناسا - مطلوب روش سیاسی آنا ریشستی و تاکتیک ترور در شرایط حساس کنونی، ما در آبنده بلحاظ اهمیت موضوع بازم بیشتر بر امون این نکات و جنبه های دیگر این مسئله سخن خواهیم گفت.

در شرایط کنونی، وظیفه کمونیست ها در این نهفته است که با فرا بزگور و خود بخودی آنا ریشستی در میان توده ها و نیز تمايلات و تاکتیکی آنا ریشستی در میان صفوف خود و نیروهای دموکرات خرد بورژوازی به مبارزه برخیزند و

نخبة در صفحه ۲۳



### دومین سالگرد شهادت کمونیست قهرمان رفیق رضا براتوند



دو سال پیش در ۲۱ تیرماه ۵۸ کمونیست مبارز رفیق رضا براتوند بدست مزدوران رژیم حاکم به طرز وحشیانه‌ای شهادت رسید. رفیق رضا از جوانان مبارز آزادی‌طلبانه بود که بعد از آزمان حاجی‌بوستند آنها بخاطر مبارزات انقلابی و افشاگرانه‌شان مورد کینه‌تراشی مزدوران و اوسان رژیم جمهوری اسلامی بودند. رفیق رضا در روز ۲۱ تیر در کتیا رودخانه آشورودانی (از شوابع محمّد سلیمان) توسط دوبرتبع فالتزیک بنسنام طسایطی (دانشجو) وهفت نفر دیگر معاشره شده و پس از درگیری با آنها مرتجعین سررفیق را در شنای کتا رودخانه فرورسوده و

بقیه در صفحه ۱۹

ت	کسند:	۵۰۰۰
ه	الف - م	۵۰۰
۹	محمودآباد:	۲۰۰۰
ج	رفقای کارگر	۸۰۰
د	رفیق ساره ۳ کوپن	۵۰۰۰
ن	سنزین ۲۵	۳۰
م	سنزین ۳۰	۶۰۰
س	سمیدکلاسی چهارم	۵۰۰
ع	عفت گلبرگ	۵۰۰
غ	امیرسرای	۱۲۰۰
ز	ن	۱۲۰۰
ح	ج	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱۰۰۰
ر	ع	۱۰۰۰
ز	ع	۱۰۰۰
ح	ع	۱۰۰۰
ط	ع	۱۰۰۰
ث	ع	۱۰۰۰
ج	ع	۱۰۰۰
د	ع	۱۰۰۰
ذ	ع	۱



## نسخه از صفحه ۲۴ لیبرال‌ها

همدردی یا سخن دیگر سوز و آری و برای آنکس  
سیستم تا نونگاری سوز و آری دجا را خنثی  
نگردد، در مجلس شرکت کردند لیبرال‌ها با حضور  
خود در مجلس با هم نشانی کردند که در برابر او چه  
گیری جنبش حاضرند تا فاعله در تصرف لواط  
سرکوب انقلاب و استعمار و طبعه که رگرشکت و رزند.  
لیبرال‌ها اگر چه توسط حزب جمهوری شدت دجا را  
محدودست گردیدند، اما نشان دادند که در شرایط  
بحرانی حاضرند همان چندگویی با لسان را نیز  
در مقابل انقلاب همچنان فعال نگه دارند.  
آری لیبرال‌ها با این اقدام خود نشان دادند  
که بی‌بوسه بدافع نظام ما کم و بیش متمگرانسه  
موجود می باشند.

سران حزب جمهوری در برابر این اقدام  
لیبرال‌ها ابراز شادمانی کرده و بی‌تحمول  
همسنگی طغیان هردو جناح در برابر انقلاب  
تا کید نمودند. رفیعی در همین زمین  
مطرح کرد: "سعی از نما بندگان که قبلاً طوسی  
نامه ای اعلام کرده بودند که به مجلس نمی آیند  
با شما سها که گرفته شد آنها گفتند که شرایط  
غیر از آن شرایط قبلی است و احساس وظیفه  
میکنند که به مجلس بیایند و امروز هم آمده اند"  
سپس اومی گوید: "از سران با مدار و معافند  
حزب الله و همه میخواهم که حقوق نما بندگان را  
مراعات کنند. نما بنده ای که تا مدتی دارنده  
وظایف خود عمل کنند و ما بل است به مجلس بیایند  
و به مردم خدمت کنند و حقوق قانونی را در میاد"

## طوری رفتار شود که نتواند بیاید، جمهوری

اسلامی - ۱۱ تیر تا کید زماست  
بدین ترتیب سران حزبی بر همگساری  
سخنهای مختلف سوز و آری در برابر انقلاب  
تا کید کرده و عملاً تا حدودی در برابر لیبرال‌ها  
نرمش نشان میدهند.  
بعلاوه آنچه که لیبرال‌ها در هفته گذشته انجام  
دادند یکبار دیگر تکرار کردند که دشمن انقلاب  
می باشد. در روزهای اخیر، رژیم در دست  
جمهوری اسلامی وسیعترین سرکوبیها را در دستور  
خود قرار داد، بیش از ۸۰ نفر از کمونیستها و  
انقلابیون را به جوخه اعدام سپرد، به تشدید  
شکنجه زندانها ن سیاسی انقلابی دست زد.  
مبارزین بسیاری را به زندان افکند و در یک  
کلام موج لجام گسیخته سرکوب را متوجه طبقه  
کلا رگر، زحمتکشان، کمونیستها و انقلابیون نمود  
اما در مقابل این همه جنایت لیبرال‌ها چه  
کردند؟ آیا لیبرال‌ها بدافع از کمونیستها و  
انقلابیون برخاستند؟ آیا لیبرال‌ها بدافع از  
زندانیان سیاسی انقلابی اقدام کردند؟ آیا  
لیبرال‌ها بدافع از زحمتکشان، علیه رژیم جا کم  
و حزب مرتجع جمهوری اسلامی اعتراض نمودند؟  
پاسخ تمام این سئوالات منفی است. و جز این  
هم نظاری نیست. آری لیبرال‌ها در همان زمان  
که به گرسی های مجلس با زنی گردند و به رفتاری  
خود سرگ افراد منفوری چون بهشتی و منتظری -  
ها را تسلیم می گویند. در برابر اعدا همسنگی  
و حتی نه فرزندان را از ستم خلق سکوت نولند.

آميز میکنند، آری لیبرال‌ها در همان زمان  
که می کوشند تا ارگان قانونگذاری سوز و آری  
دجا را خلال نگردد، به سرکوب جناستکارانسه  
شده های آگام، کمونیستها و انقلابیون لخنند  
می زنند.

بدین ترتیب یکبار دیگر می بینیم کس  
لیبرال‌های مرتجع که در روز قدرت سهم می  
دا شدند، خود فاعله در سرکوب انقلاب در کیدستان  
ترکمن صحرا، خوزستان، دانشگاه شرکت میبندند  
و امروز که ما با بهاپوزیسیون تبدیل شده اند  
به جناحیات رژیم در مقابل انقلاب لخنند میزنند.  
طبعه که رگر و شوه های زحمتکشان یکبار دیگر در  
تجره خود می بینند که لیبرال‌ها نه مدافع آزادی  
و دموکراسی واقعی بلکه خواستار رسم بیشتر در  
قدرت سیاسی موجود می باشند. لیبرال‌ها از  
آزادی حرف میزنند تا توده ها را فریب دهند.  
لیبرال‌ها از "وقایع به عهد" حرف میزنند تا سر  
دوش خلق دلاور ما سوار شوند و در رقابت با حزب  
جمهوری امتیازات بیشتری کسب نما بند.

کارگران و زحمتکشان! لیبرال‌ها علیه رسم  
شما موعا فریب می های خویش دشمن شما و انقلاب  
شما هستند، لیبرال‌ها با مدار همین نظام گندیده  
می باشند و تا مغز استخوان ارتجاعی می باشند  
لیبرال‌ها اگر چه امروز در مراکز حاسی دولتی  
قرار دارند و رند لیکن همانند حزب جمهوری مدافعین  
طبقه سرمایه دار، ریشماری آنها و این طبقه همان  
طبقه ای است که با بدبزرگیا تا انقلاب شما  
سرنگون بود.



## نسخه از صفحه ۲۴ تملیله

هواداران خود را نمودند که وظیفه دارند تا  
"حرکات مشکوک را به سپاه مباران اطلاع  
دهند" (اطلاعات ۱۱ تیر)، این مزدوران طبقه  
سرمایه دار و علاوه بر اینکه خود در حال حاضر یک  
شکه جاسوسی برای رژیم و سوسپال امپریالیسم  
شمار می آیند، توده ها را فریب میخوانند تا به  
کمک ارتجاع که کمبشتا بند و کمونیستها و  
انقلابیون را به رژیم وابسته جمهوری اسلامی  
دهند.

و اما از رژیم سرمایه داری و ریزبونیستهای  
مزدور چه انتظاری می توان داشت؟ طبقه  
حاکمیتنا به ما هیت خود از زمان حربه همسای  
جنايت و فریب برای سلطه ارتجاعی خود سوسود  
خواهد جست و ریزبونیستها که نوکر سرمایه داران  
می باشند جزاگری برای جلادان پرولتاریا و  
انقلاب را دیگری ندارند. رژیمها کم از آنکه  
مدافع و نماینده طبقه سرمایه دار است، از آنجا  
که دشمن طبقه کارگر و زحمتکشان است نمیتواند  
به اعمال قهر و انقلابی و ترور و ساری نیاید.  
اعدا آنها، ترورها، شکنجه ها، دستگیریه ها،  
تعقیب ها و دشمنانها نشان عصبیت طبقه خونخوار  
سرمایه دار را میماند، جنايتها با مداران و  
حزب الهی های شهکار رسیان شخص و مسادی  
کنه سرمایه داران نیست به توده ها و کمونیستها  
و انقلابیون میماند. هر انداز سرمایه طبقه تسی

رشدیای بدوینا گزیر هر قدر حاکمیت سرمایه به خنثی  
افتد، دشمن و حشبه نه ترشیر انقلاب می تازد. اما  
مبارزه طبقه ای علیه رژیم تریبناهی فسران و ان  
متوقف نمی شود و به سیر شکوهند، خودا  
خواهد داد.

در چنین شرایطی کمونیستها می بایست تا  
سازماندهی متناسب بر فاعله خود بیایند  
و با تمام توان و انرژی استکار طبقه توده ها را  
برانگیزانند و آنها را به مبارزه ای مشکل فرا  
خوانند. کمونیستها با بدبزرگیا رگر و توده ها  
نشان دهند که تشدید ترور و خفقان در اینستا  
با رشد جنبش طبقه ای بوده و اینکاسی از ماهیت  
ارتجاعی رژیمها کم است. کمونیستها با بدبختان  
دهند که سرکوب و حشبه شکا و گران و کمونیستها و  
انقلابیون توسط رژیمها یکبار دیگر جمهوری اسلامی  
بیان یک سیاست طبقه ای و برای نابودی این  
سرکوب با بدبزرگیا کم و رژیم مدافع آن را نابود  
کرد. بعلاوه کمونیستها با بدبزرگیا های گوناگون  
رژیم را بر ملا ساخته و کوشش انقلابی آنرا  
بمنظور تبدیل توده های ناآگاه به سرمایه داران  
حکومتی رسوا نما بند. توده های که بد رژیم  
بیا فتند مسلماً آگام و بیستام طبقه ای خسود  
نیستند، آنها به اقدامی است خواهند زد که سر  
سرکوب فرزندان راستین بود جید دیگری در سر  
نخواهد داشت. به همین خاطر بر ملا کردن توطئه  
رژیم و افشاکردن سخنان انقلابی سران رژیم

وظیفه بسیار مهمی است که بر دوش تمام کمونیست  
ها، انقلابیون و توده های آگام قرار دارد.  
با بدبزرگیا ضد انقلابی رژیم را بخود و سرگردانند  
با بدبزرگیا سوسان، حزب الهی ها، با مداران و  
ریزبونیستها را در نیز توده ها افشا ساخت  
توده ها را نسبت به ما هیت و اهداف کشف انسان  
آگام نمود و با بدبزرگیا رژیم جنایت بیشتر  
جمهوری اسلامی مشت محکمی کوبید و نشان داد  
که توده ها جاسوس نیستند.

## بقیه از صفحه ۲۱ سر مقاله

تدارک انقلاب را برپا به کار رصبارانه و بیگیرانه  
سازماندهی و شکل دهی طبقه کارگر و تاسمین  
سیاست مستقل آن در شرایط حاضر به انجسام  
رسانند. تا کتیک ترور و مبارزه چریکی نیروهای  
سیاسی در این شرایط، بر روند طبیعی مبارزه  
توده ها لطمات جدی وارد میماند و آن را از مسیر  
طبیعی تکامل خود خارج ساخته و به محساری  
انحرافی سوق میدهد. نیروهای انقلابی به گیر  
نمی توانند با چنین تمایل و گرایش انحرافی  
در صفوف انقلاب به مبارزه برنخیزند.

ما در شمار آینده در این موضوع کس  
چه گرایش های سیاسی طبقه ای میتوانند در این  
نقطه تا کتیک ترور با یکدیگر تلاقی پیدا  
کنند، سخن خواهیم گفت.



### تشنه سرکوب و ترور و خاموشی حکومت به شکست است!

بدنبال موجهای مبارزاتی غیرطبقه کارگروندوهای شهری، رژیم جمهوری اسلامی به تشدید سرکوب و خفقان پرداخته است. انفجار بمب در مرکز حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و کشته شدن بیش از ۷۰ نفر از مرتجعین حکومتی و بخصوص یشتی منور بهانه دیگری شده رژیم سرما به - داران بر شدت سرکوب انقلاب بها فزاید و بیسی از هر زمان دیگر مذبحها نه برای نابودی جنبش بوده ها و ونبروهای کمونیست و انقلابی تلاش نماید.

به رگبار بستن نظارات عظیمه در انترفری تهران و کشتار و خفایا نرفتارها هرگز نماند، اعدام بیش از ۸۰ نفر از کمونیستها و مهادین زندانسی، ترورهای خیابانی کمونیستها و انقلابیون، به رگبار بستن کارگران قهرمان قزوین، دستگیری های انفرادی و جمعی در خبا بانها و منازل، خانه گردی های وسیع و... همه و همه نشانه تشدید سرکوب طبقه کارتی رژیم سرما به داری می باشد. در آگاهای و جبارت تیره ها، ترسیمی و حرکت اعتلاشی جنبش طبقه کارگروندو شده ها، توسعه داده منه فعالیت و نفوذ کمونیستها و انقلابیون در میان زحمتکشان از یکسو و استیصال و درماندگی کامل رژیم در رفع بحران اقتصادی موجود و انفرادی سیاسی روز افزون رژیم حاکم از سوی دیگر، سردمداران حکومت رابه وحشت انداخته است. رژیم جمهوری اسلامی شدت از او جگری بازم بیشتر جنبش می هزاره او، در این او جگری مبارزه طبقه کارتی، مرگ حتمی خود را می بیند و به همین خاطر با تمام قوا می کوشد تا با سرکوب گسترده، مبارزه طبقه کارتی را خاموش سازد و سلطه مستکارانه خویش را تداوم بخشد.

امروز رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی تمام ابزارهای سرکوب خویش را بنحویسما بقه های فعال نموده است. با ساداران جناحی کار، افراد سیاسی، باندهای ساه حزب الهی بطور وسیع مبارزه کارخان شهر را به اشغال خود درآورد و در مواقع معین به تعقیب و دستگیری و با ضرب و شتم افراد مورد نظر خود می پردازند. این باندهای ساه تروریستی در پی آنند تا با مسلسل گسترده خود مسازین و انهدا منداخته و نیروهای کمونیستی و انقلابی را قتل سازند. در کنار فعال کردن ارگانهای خاموشی و سرکوب، رهبران ارتجاعی رژیم حاکم با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی بوده های نا آگاه و در پی آنند تا ایشان را بنسبزه یک شکه خاموشی تبدیل

## یادداشت های سیاسی هفته

نما بند، در دوره اخیر و بخصوص پس از انفجار سبب در مقر حزب، سردمداران رژیم در تمام سخنرانی های خود گوشه انداخته توده های نا آگاه را برای این توطئه فدا انقلابی آماده نمابند. بنیاده کردن، بخشی از توطئه سرکوب توسط توده های نا آگاه، با بنیست یکی از هدفهای ارتجاعی رژیم حاکم.

جنبشی در همین رابطه مطرح ساخت: "ملت ما با بدچشمه پیش را با زکند و رفت و آمده های مشکوک را تحت نظر بگیرد شما تشنیدها لا کسه برای شما فقط با پیدارها عمل کنند، شما همه با سادار اعلام هشید، با بدهمه مراقب، با شند، هما به های خودشان را هر خا نه تحت نظر بگیرد رفت و آمده های مشکوک را تحت نظر بگیرد. اگر بیدیک مسئله ای در آنجا محتمل است با شد و لو احتمال بدهد با پیدارها اطلاع بدهد به مراکزی که در نزدیک آنجا است، کم توجه نباشد، به این مسائل خبردینا بد." (اطلاعات ۱۰، شهری)

رفتنه ای نیز گفت: "خود ملت در صحنه است ارتش و سپاه و کمیته های ما مردم و حزب الله ما دست اندر کارانند که از این فاجعه عظیمه با تمامی نگذرد و برای همیشه این ملت را از تراسرین توطئه گران آسوده و راحت کنند." (اطلاعات ۱۰، شهری)

بدین ترتیب می بینیم که چگونه رهبران رژیم فدا انقلابی حاکم توطئه می بینند و خا شنانه می کوشند تا توده های نا آگاه و را ترسید در شکها ریبها و جنا بانات خود سازند، آنها با سوء استفاده از توهم و اعتقادات مذهبی توده ها - آگاه و بیگناه چنین القا کنند که گویا رژیم حاکم شما بنده طلق است و شما بر این مردم وظیفه دارانند تا جریانی که بیرون رژیم شما رزه میکنند را مورد شما می قرار دهند و به رژیم صرفی شما بند، آری رژیمی که دستا نش از خون فرزندان طبقه کارگرو خلق رنگین شده میخواهد انا نمود سازد که مدافع توهه مات و توده ها وظیفه دارند تا از آن حمایت نکنند! آری رژیم جناحی کار جمهوری اسلامی در پی تبدیل کردن توده های نا آگاه و به خاموشی خود می باشد، در جهت تحقق این هدف ارتجاعی رژیم حاکم تشنیدها نیست، رومیونیستیهای ارتجاعی ما نند حزب توده و فداشان اکثریت بود فدا لانه برای بقای رژیم سرما به داری موجوده خاموشی برداخته و سه بنیه در صفحه ۲۳

### لیبرالها: مدافع رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان سرسخت انقلاب

طبقه کارگرو زحمتکشان ایران بکنار ردیگر خبا ننت لیبرالها را تجربه میکنند، بکنار ردیگر درمی با بند که لیبرالها نه مدافع آزادی و دمکراسی، بلکه فریبکارانی بیش نیستند، بکنار دیگری فهمند که دعوی میان لیبرالها و حزب جمهوری دعوی میان دشمنان انقلاب است.

پس از قبضه شدن مراکز سیاسی قدرت توسط حزب جمهوری اسلامی، لیبرالها در موضع اپوزیسیون قرار گرفته و سعی کردند تا جنبش و انهدا زنده کاریها مستند انا کسه لیبرالها آزادی طلب اند، بنی سدر جذف خود از سیاست جمهوری را نشانه "استبداد" خوانند و با زرگان ها محدودیت خود در مجلس و بسته شدن روزنامه های خویش ما نند "میزان" و "انقلاب اسلامی" را "تسلط" استند انا انحصار و ظلمت می خوانند و سپس کوشیدند تا هر چه بیشتر تروهم توده ها را نسبت به خود برانگیزند و انهدا وسرودش آشنا بسوار شوند. بنی سدر در پناه ۴۰۰ عیر انا خود نوشت: "خواهر من، برادر من، من نور استیصال استقامت خواندم، متوسلین، مرا به استقامت خواندی با دمی آوری روزهای نخستین، ریاست جمهوری مرا؟ هر دو من و تو بیجان بستید بر عهد خود وفا کنیم، وقت وفای به عهد است." حال که لیبرالها از مراکز حاکمیت قدرت رانده شده اند "وقت وفای به عهد" است شما توده ها لیبرالها را بردوش خود گرفته و آنها را دویا ربه قله قدرت برسانند! آری جوهر تبلیغات و عوام فریبی های لیبرالهای خاشن اینست که چرا از قدرت فرو افتاده اند و چرا حزب جمهوری با "انحصار طلسم" خویش مراکز حاکمیت دولتی را در قبضه خود قرار داده است.

لیبرالها بر سر میزان سهم قدرت سیاسی جدال میکنند، آنها نه مدافع آزادی طبقه کارگرو توده ها، بلکه طرفدار آزادی عمل خویش در سرکوب و استیصال طبقه کارتی میابند. آنچه که لیبرالها در هفته گذشته انا مدادند، بکنار دیگری ثابت کرد که آنان مدافع رژیم جمهوری اسلامی و سیستم استیصال کارخانه حاکم میباشند. در هفته گذشته بعد از اینکه در مقر حزب جمهوری سبب منفجر گشت، عده قابل توجهی از لیبرالها در مجلس شرکت کردند، آنها که از زمان رای عدم صلاحیت رئیس جمهور، شرکت در مجلس را منتفی دانسته و اغلب شرکت نمی نمودند، این بار در بنیه در صفحه ۲۳

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست